

فصل‌نامه جندی‌شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال ششم، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۹۹

ویلیام کنت لافتوس و کاوش‌های او در شوش^۱

جان کرتیس^۲

ترجمه عباس امام^۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۳/۴

تاریخ پذیرش: ۹۹/۴/۱۴

مقدمه مترجم:

هم ویلیام کنت لافتوس (William Kennett Loftus) و هم دکتر جان کرتیس (John Curtis) هر دو در تاریخ باستان‌شناسی ایران از سرآمدان هستند. لافتوس، به عنوان «نخستین کاوشگر شوش» (که سفرنامه پژوهشی وی در سال ۱۳۸۵ به قلم اینجانب به فارسی ترجمه و با عنوان «سفرنامه پژوهشی سرهنگ لافتوس نخستین کاوشگر شوش» از سوی نشر شادگان منتشر شد) نامی است شناخته شده و ماندگار و کرتیس نیز به عنوان باستان‌شناسی بلندپایه و صاحب‌نظر که هم دهها مقاله و چندین کتاب درباره باستان‌شناسی ایران نگاشته و هم از مدیران ارشد موزه بریتانیا در زمینه اشیا و آثار باستانی ایران، عراق و خاورمیانه است. با توجه به جایگاه ویژه این دو پژوهشگر در تاریخ باستان‌شناسی ایران و به ویژه با توجه به لزوم غنی بخشیدن به منابع مرتبط با تاریخ‌نگاری باستان‌شناختی شوش مطالعه دیدگاه‌های استاد جان کرتیس درباره لزوم بازشناسی اهمیت کار پیشگامانه لافتوس می‌تواند برای علاقه‌مندان این دو زمینه جالب باشد. همچنین، دقت و سواس‌گونه دکتر کرتیس در بازیافت و ثبت دقیق مشخصات بیشتر یافته‌های لافتوس در انبارهای موزه بریتانیا (آن هم پس از ۱۵۰ سال) جای شگفتی و در عین حال تحسین بسیار دارد. ضمناً، فهرست منابع مقاله نشان می‌دهد که متأسفانه هنوز هم برخی آثار ارزشمند

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

Curtis, John (1993). "William Kennett Loftus and His Excavations at Susa". *Iranica Antiqua*, Vol. XXVIII, PP. 1-55.

۲. سرپرست بخش خاورمیانه موزه بریتانیا

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه شهید چمران اهواز sa-ab-emamroo@yahoo.co.uk

لافتوس (چه در زمینه باستان‌شناسی ایران و چه درباره زمین‌شناسی کشور ما) به فارسی برگردانده نشده‌اند.

از همکار گرامی جناب دکتر علی بحرانی‌پور برای بازخوانی ترجمه و ارائه پاره‌ای پیشنهادها صمیمانه سپاسگزارم.

«خواه شوش را به لحاظ جغرافیایی و تاریخی مدنظر قرار دهیم و خواه از نظر رویدادهای تشریح شده در کتاب مقدس، در هر صورت در سرتاسر شرق باستان کمتر مکانی مانند شوش برای فرقه‌ها و پیروان ادیان مختلف این همه جالب توجه بوده است»^۱.

این عبارات از توصیفات ویلیام کنت لافتوس در سال ۱۸۵۷م (p. 335) درباره شوش است و می‌دانیم که نام لافتوس همواره یادآور نخستین حفاری‌های باستان‌شناختی در شوش بوده‌است. آشنایی لافتوس با خاور نزدیک از آغاز سال ۱۸۴۹م شروع شد، یعنی زمانی که وی به عضویت کمیسیون چهارجانبه تعیین سرحدات عثمانی - ایران منصوب شد تا به عنوان زمین‌شناس انجام وظیفه کند. (Harbottle 1973: pp. 198-199) هدف از برپایی این تشکیلات، تعیین مرزهای میان ایران و عثمانی بود و در میان اعضای آن افزون بر نمایندگان خلافت عثمانی و ایران، نمایندگانی از بریتانیا و روسیه نیز حضور داشتند.

وظیفه اصلی این نهاد آن بود تا مرز میان دو کشور ایران و عثمانی را از محمره (خرمشهر) در کنار شط‌العرب تا کوه آرارات در شمال تعیین کند. نماینده ارشد بریتانیا در این کمیسیون سرهنگ دوم ویلیامز (W. F. Williams) بود که بعدها در بریتانیا در محاصره شهر قارص (Kars) در سال ۱۸۵۵م از خود شایستگی‌هایی نشان داد و به القابی مانند سر (Sir) و بارونت (Baronet) کارس دست یافت. (Curzon 1892: I, pp. 568-9;) (DNB 61: PP. 446-7)

۱. در پژوهش‌های باستان‌شناسی، به ارزش کار لافتوس در حفاری‌های شوش چندان توجهی نشده؛ مثلاً، دومکنم در بررسی حفاری‌های شوش به شکلی بسیار گذرا به این موضوع پرداخته است: De Mecquenem 1980:p. 2.

سرهنگ ویلیامز تعلق خاطر خاصی به لافتوس داشت و در طرح‌های کاوشگری وی همواره مشوق وی بود. به همین دلیل در اوایل سال ۱۸۵۰م به لافتوس اجازه داد تا در همراهی با یک نقاش به نام چرچیل (Henry H. Churchill) به مدت یک‌ماه در ورکا/ورقاء (Warka)) در جنوب بین‌النهرین به کاوشگری باستان‌شناختی بپردازد. لافتوس و چرچیل فصل جالب توجهی را با یکدیگر سپری کردند و موفق به کشف چندین تابوت، تعداد بسیاری پیکرک گلی و چندین قلم سفالینه لعاب‌دار شدند.

همین که آثار یافت‌شده در ورکا بسته‌بندی و به بریتانیا فرستاده شد، سرهنگ ویلیامز از لافتوس خواست از شوش دیدن کرده و تلاش کند در تپه‌های آنجا کاوش‌هایی انجام دهد. (Loftus 1857: p. 287) لافتوس و چرچیل اواخر ماه می/اردیبهشت سال ۱۸۵۰م به شوش رسیدند و بر فراز تپه‌ها برای خود اردوگاهی برپا کردند. اما شروع کار با مسئله نامنتظره‌ای روبرو شد؛ آشیز آن‌ها علف‌های خشک شده روی محوطه وسیع تپه را به آتش کشید. اما لافتوس و چرچیل جا نزدند؛ هر دو با تلاش زیاد به کار خود ادامه دادند ولی به دلیل کینه‌توزی و سوءظن اهالی محل و در نتیجه ناتوانی در یافتن نیروی کار لازم برای ادامه طرح نتوانستند عملاً کاری از پیش ببرند. با این همه موفق شدند نقشه‌ای از محوطه تهیه کنند. (نگاره ۱؛ Loftus 1857: pp. 314-316) روی این نقشه، آنچه را لافتوس به پیروی از کتاب مقدس با عنوان Shushan the Palace (دارالسلطنه شوشان) نامیده‌است امروزه عموماً با نام «تپه آیدانا» می‌شناسیم، همچنانکه محوطه Citadel (قلعه/دژ) معمولاً با عنوان «آکروپولیس» شناخته می‌شود و The Great Platform (تختگاه بزرگ) را نیز Ville Royale (شهرشاهی) می‌نامند.

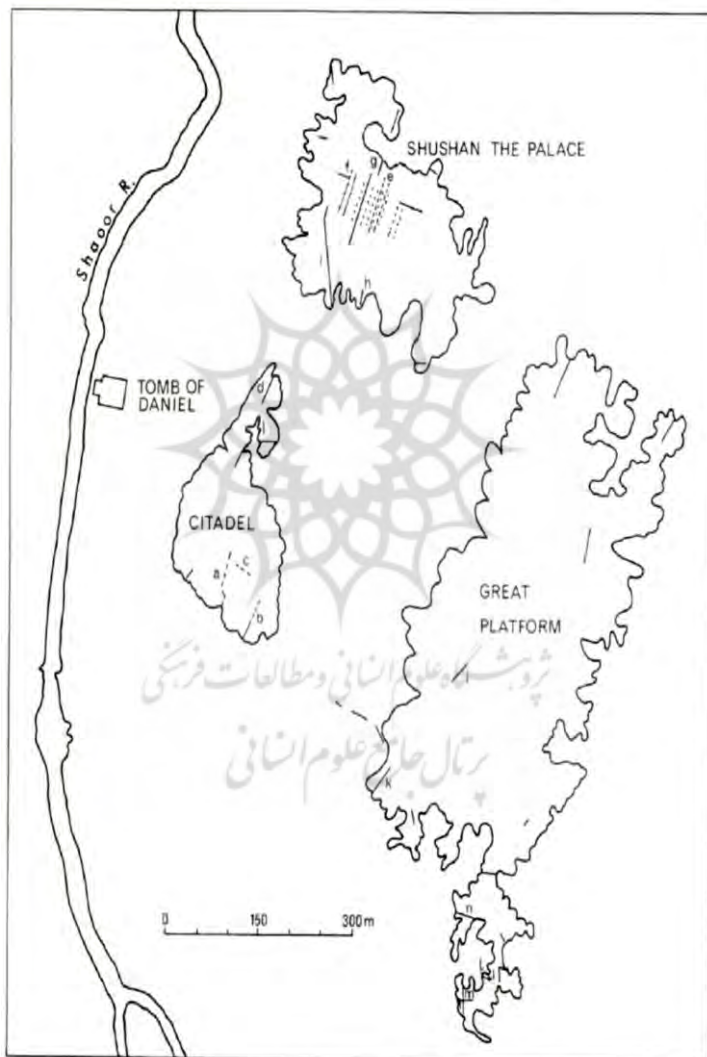
در فصل تابستان، سرهنگ ویلیامز و دیگر همراهانش در دزفول به لافتوس و چرچیل پیوستند و برای فرار از گرمای سوزان محل به کوه‌های لرستان در آن حوالی پناه بردند. از آنجا نیز راهی بازدید از چندین مکان و یادمان مهم در بیستون و تخت جمشید شدند. (Loftus 1857: pp. 331-2) احتمالاً در همین سفر بوده که آن‌ها موفق شدند از طاق‌بستان (غاری بازمانده از دوره ساسانی) در نزدیکی کرمانشاه دیدن کنند و نام خود را به صورتی پاک‌ناشدنی روی این یادمان خسروپرویز دوم حک نمایند، به گونه‌ای که همین

امروز نیز نام‌های انگلیسی Col. Williams, R.A. ; J. Olquin, F.R.C.S.E. ; H.A. Churchill و نیز W.K. Loftus و تاریخ ۱۸۵۰م روی مجسمه به راحتی قابل خواندن هستند.

در ژانویه /دی‌ماه ۱۸۵۱م سرهنگ ویلیامز و کل مجموعه انگلیسی‌های همراه او، از جمله لافتوس به شوش بازگشتند. (Loftus 1857: pp. 333-4) این بار به کمک سرهنگ شیل (Sheil) سفیر بریتانیا در ایران فرمانی از ناصرالدین شاه برای کاوشگری در شوش دریافت شده بود. (Loftus 1856-57: p. 424; 1857: p. 333) مسوولیت تأمین امنیت گروه نیز بر عهده سلیمان خان حسام‌الدوله واگذار شده بود که از طرف شاه مسئول نظم و امنیت خوزستان تلقی می‌شد. به شیخ مسعد که در سفر پیشین لافتوس و چرچیل «به همه نوع تهدید و آزار تا حد مرگ متوسل شده بود» (Loftus 1857: p. 333) این بار دستور داده بودند تا نیروی کار محلی تأمین کند و نگرهبانی شبانه اردوگاه گروه را نیز بر عهده بگیرد. در ضمن به‌شمار اندکی از افراد محل اجازه داده شده بود تا اگر بخواهند با حقوق روزی یک قران کار کنند که حقوقی کمی نبود ولی نگرهبانی شبانه از اردوگاه طبعاً کار سختی بود. بعد از حدود یک هفته، یکی از نفرات شیخ مسعد به ظن تلاش برای سرقت از چادر لافتوس بازداشت شد و به دنبال اعتراض سرهنگ ویلیامز از اقدام سارق، پسرش را واداشتند تا پدر را گوشمالی دهد و او نیز با بی‌میلی این کار را کرد. یکی دو روز بعد، مسعد و عشیره وی از محل رفتند و کاوشگران دست تنها ماندند! (Loftus 1857: 349-52) در این میان، وضع آب و هوا نیز بد شد طوری که «کار به دلیل باران‌های سیل‌آسای بهاری مرتب متوقف می‌شد، به گونه‌ای که در برخی موارد خطر کامل غرق شدن کل اردوگاه گروه در رود شاوور احساس می‌شد». (Loftus 1857: p. 354)

با همه این اوصاف، کار حفاری به بهترین وجه آغاز شد. درست همان روز اول، قبل از اینکه کارگرها کار خود را شروع کنند، خدمتکاران کمیسیون «در برابر شگفتی تام و تمام چند نفر عرب که در محل تماشاگر اوضاع بودند، موفق شدند ترانشه‌ای به طول ۱۲ متر و ۲۰ سانتیمتر و عمق ۲ متر و ۷ سانتیمتر آن هم درست در دل محوطه تپه ایجاد کنند». (Loftus 1857: p. 349) این همان ترانشه A روی تپه آکروپولیس بود. البته چیز

چندان زیادی در این مورد به دست نیامد، به جز یک گورمانند، به شکل یک کوزه سفالی دهانه گشاد به بلندی ۹۱/۵ سانتیمتر، که داخل آن با ماده‌ای قیرمانند اندود شده بود و «حاوی استخوان‌های یک کودک و چند تکه خرمهره» بود و لافتوس آن را متعلق به دوره ساسانیان می‌دانست. (Loftus 1857: p. 349)



نگاره ۱: طرح لافتوس از محوطه باستانی شوش. (طراحی دوباره از خانم آن سیرایت Ann Searight) ترانسه‌های ایجاد شده توسط سرهنگ ویلیامز با خطوط نقطه‌چین و ترانسه‌های ایجاد شده توسط لافتوس با خطوط ممتد نمایش داده شده‌اند.

از زمان ترک محل توسط شیخ مسعد به بعد، سه ترانسه به عمق ۵ متر و ۷۹ سانتیمتر در تپه آکروپولیس کنده شده بود که در آن‌ها «قطعاتی از اشیاء قالب‌ریزی شده مانند آجرهای دارای خط میخی و با لعاب کاملاً سبز رنگ به دست آمده بود». این آجرها (شماره‌های ۹۹ تا ۱۰۳) بیشتر متعلق به دوران زمامداری شیلهاک- اینشوشیناک اول و نشانگر بازسازی دروازه‌ای هستند که برای خدای اینشوشیناک وقف شده بود. (Konig 1965: no. 40) افزن بر این از ترانسه C نیز «یک تکه بزرگ مسی از جنس لایه پوشش مخزن آب» به دست آمد که به دلیل آن که مدتی روی تپه رها شده بود، بعدها تکه‌تکه توسط کارگران عرب محل به سرقت رفت. (Loftus 1857: p. 352)

اکنون که سرهنگ ویلیامز در تنگنا قرار گرفته بود، تلاش‌های خود را روی ثبت و ضبط مشخصات بقایای اشیاء باستانی روی تپه و محل و انجام حفاری‌های محدود و ممکن متمرکز کرد. به ویژه چندین قطعه لاشه سنگ از ستون‌های آهکی شیاردار وجود داشتند که به صورت پراکنده باعث جلب توجه او شدند. روی تپه سمت شمال، سه پایه‌ستون یکپارچه کشف شد که حدود یک متر و ۲۰ سانتیمتر پایین‌تر از سطح تپه قرار گرفته بودند. این لاشه ستون‌ها حدود ۸/۵ متر از یکدیگر فاصله داشته و روی تخته‌سنگ‌هایی ناهموار در ابعاد ۲ متر و ۷۵ متر مربع قرار داشتند. این پایه‌ستون‌ها به شکل زنگوله‌ای بودند و روی آن‌ها نقوش گل نیلوفر آبی واژگون به چشم می‌خورد. (Loftus: pp. 352-3)

لافتوس در ادامه می‌نویسد: «در دامنه غربی تپه و در لابلای تلی از آوارهای سازه‌ای، بقایای سینه یک گاو دو سر شکسته شده، تکه‌های بسیار بزرگی از چند ستون شیاردار و بخشی از یک پایه‌ستون چهارم که شبیه به سه پایه‌ستون دیگر بود را به چشم دیده‌است». (Loftus: 1857: pp. 354) پیداست که اینجا لافتوس بی آنکه خود بداند وارد آپادانا یا

سالن بار عام کاخ بزرگ داریوش شده بوده که بعدها توسط خشایار دوم مورد بازسازی قرار گرفته‌است. سپس چهار ترانشه در همان اطراف کنده شد به این امید که شاید نشانه‌های بیشتری از این ساختمان به دست آورند، اما در عمل چیزی پیدا نشد. (Loftus 1857: p. 354)

چندی بعد، اعضای کمیسیون برای انجام مأموریتی اداری از شوش فراخوانده شدند و یک سالی طول کشید تا دوباره امکان از سرگیری حفاری در شوش میسر شود. در این گیر و دار، اوستین هنری لایارد (Austin Henry Layard) که پیش از آن به نمایندگی از موزه بریتانیا با موفقیت‌های چشمگیر حفاری‌هایی در نمرود و نینوا انجام داده بود، در آوریل/فروردین ۱۸۵۱م از بین‌النهرین خارج شده بود. همچنین سرهنگ راولینسون (Rawlinson) که کنسول بریتانیا در بغداد بود از سوی هیئت امنای موزه بریتانیا مأموریت یافت تا نزد لافتوس رفته و تحقیق کند و ببیند آیا وی حاضر است به نمایندگی از آن‌ها کار حفاری‌ها را از سرگیرد یا خیر. (Barnett 1976: p. 8; Harbottle 1973: pp. 243-4) لافتوس در تاریخ ۲۴ ماه می ۱۸۵۱م این پیشنهاد را با مقداری احتیاط پذیرفت و طی نامه‌ای به شرح زیر به راولینسون نوشت:

«به نظرم، شما با توجه به خبر عزیمت لایارد از این منطقه به بریتانیا، می‌خواهید بدانید آیا من مایل هستم در آشور، بابل، کده و شوش کل عملیات حفاری‌ها را انجام دهم یا خیر. بر این اساس، گمان می‌کنم لایارد حتماً سرانجام کار حفاری را رها کرده و لابد قصد از سرگیری حفاری‌ها را ندارد. اگر چنین باشد در آن صورت خوشحال خواهم شد اینجانب کارها را بر عهده بگیرم اما چنانچه قصد این باشد تا من صرفاً دنباله‌رو کار لایارد باشم و در غیاب ایشان کارهای وی را دنبال کنم، قطعاً و به هیچ وجه مایل به همکاری نخواهم بود...»

« من با سرهنگ ویلیامز مشورت کرده‌ام و ایشان بر این باور است که وظایف فعلی من نایستی با امور دیگر تداخل کند، مثلاً در مواردی من برای تحقیقات متعدد زمین‌شناسی ناچارم مرتب از محلی به محل دیگر دررفت و آمد باشم. در عین حال، ایشان میل دارد با حفظ من در کمیسیون چهارجانبه (در کنار لرد پالمستون) تعدادی کارگر خدمه و قاطر

در اختیار من بگذارد، تا در آن صورت سایر هزینه‌های عمده باقی‌مانده صرف جابه‌جایی و مسافرت و حفاری‌ها شود...

«با توجه به اینکه وظایف متعدد و مضاعفی بر دوش اینجانب است، در نتیجه پیشنهاد می‌کنم مقدار بیشتری به دستمزد فعلی من (۲۰۰ پوند) بیافزایید و همچنین دوست دارم بدانم در صورت پایان مأموریت کمیسیون تعیین مرزها، من از نظر شما چه جایگاهی خواهم داشت»^۱.

سپس مجوز لازم از لرد پالمستون دریافت شد و راولینسون نیز کمک هزینه‌ای معادل ۵۰۰ پوند از خزانه‌داری موزه بریتانیا «برای انجام پژوهش‌های بیشتر در شوش دریافت کرد». (Loftus 1857: p. 356) از سوی دیگر از شاه نیز فرمانی دریافت کردیم و در کنار آن از قول مساعدت خان‌لمیرزا از بستگان شاه هم اطمینان حاصل کردیم، به خصوص که وی اکنون به عنوان والی خوزستان جانشین سلیمان خان شده بود.

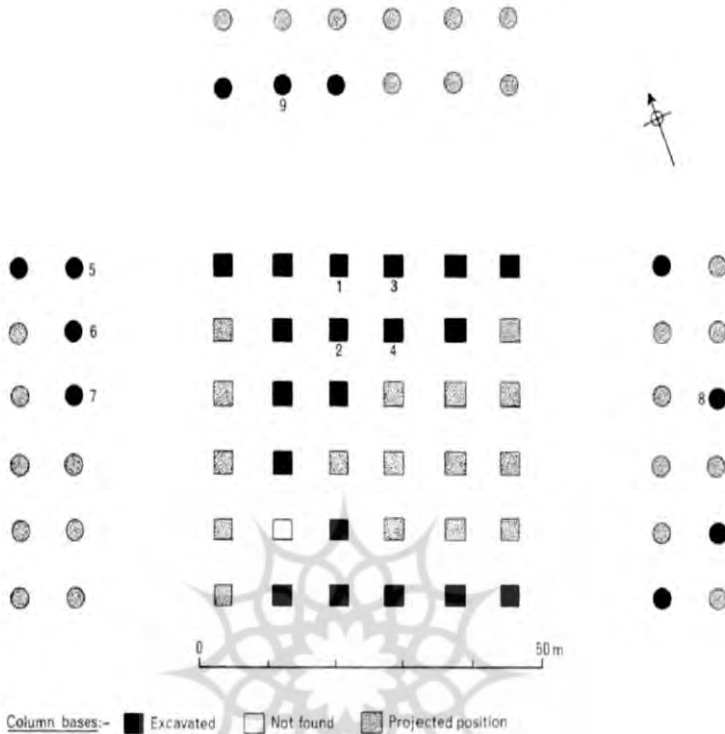
عملیات حفاری در میانه فوریه/بهمن‌ماه ۱۸۵۲م آغاز گردید و تا میانه آوریل/فروردین‌ماه ۱۸۵۲م ادامه یافت. راولینسون می‌گفت امیدوار است «لافتوس خیلی سریع تپه بزرگ شوش را کاملاً حفاری کرده و در معرض دید همگان قرار دهد». (Barnet 1976: p. 8) به هر حال لافتوس بدون کمک گرفتن از هیچ‌یک از همکاران خود در کمیسیون کار خود را شروع کرد، (Loftus 1857: p. 357) اما حداقل گهگاه از کمک فوق‌العاده ارزشمند نقاشی به نام چرچیل (H. A. Churchill بهره می‌برد. (Loftus 1857: p. 368) در واقع به نظر می‌رسد بیشتر نقشه‌ها و نقاشی‌های اشیاء یافت‌شده در شوش کار چرچیل نقاش بوده‌اند و پیداست که موفقیت عملیات خاک‌برداری و حفاری تا حدودی به عملکرد وی ارتباط داشته‌است. یکی دیگر از دیدارکنندگان خوش‌قدم وارده به لافتوس، ستوان جکسون بود که در زمان اقامت خود با لافتوس دو نقاشی آبرنگ زیبا از مراحل پیشرفت کار کاوش‌ها خلق کرد. (تصاویر ۲ الف و ب) این بار برای به‌کارگیری کارگران محلی مشکلی وجود نداشت و در مرحله آغازین کار حدود ۷۰ کارگر

1. Trustees' Original Papers vol. XLVI (July-Dec. 1851).

و عمدتاً لر، از روستاهای اطراف شوش ثبت‌نام شدند تا هر یک به قرار روزی نیم قران کار کنند. (Loftus 1857: p. 360) بعدها تعداد کارگرها تا حدود ۳۵۰ نفر افزایش داده شد که بیشتر آن‌ها از شهر دزفول برای کار به آنجا می‌آمدند. (Loftus 1857: p. 385) البته این خاک‌برداری‌ها و حفاری‌ها بدون دردرس نیز نبود.

جدی‌ترین مسئله اندکی پس از ورود سرهنگ ویلیامز و برخی همراهانش رخ داد. به دنبال سرقت دو رأس اسب از اسب‌های ویلیامز، وی به خانلرمیرزا شکایت برد. یکی دو روز بعد یکی از قبایله‌های عرب محل به سرکردگی شیخی به نام شیخ عبدالله به محل تپه‌ها حمله کرد؛ ظاهراً به تلافی اتهام دزدی که به آن‌ها زده شده بود. اما نهایتاً با ترفندها و دردرس‌هایی به کمک کارگران لر محل وادار به عقب‌نشینی شدند. (Loftus 1857: p. 389-392)

نخستین اقدام لافتوس این بود که بکوشد تا ببیند آیا می‌تواند نقشه کف ساختمانی را که ستون‌ها متعلق به آنجا است تهیه کند یا خیر. پیش از این سرهنگ ویلیامز پایه‌ستون‌ها و زیرستون‌های (basement slabs) شماره‌های ۵، ۶ و ۷ را در غرب محوطه ستون‌سرا (colonnade) پیدا کرده بود. لافتوس نیز اکنون می‌خواست به حفاری‌ها ادامه دهد تا بتواند موقعیت دقیق هشت ستون دیگر این ستون‌سرا را مشخص سازد؛ البته در کنار ۲۰ ستون از ۳۶ ستون بخش مرکزی سرای بار عام. (fig. 2: Loftus 1857: p. 366) دیگر پایه‌ستون‌ها یا یافت نشدند یا مشخص شد که اصلاً وجود ندارند. در هر حال کاوش‌های صورت گرفته آن قدر کافی بود تا بتوان بر اساس آن‌ها نقشه کف کاخ آپادانا را بازسازی کرد و جالب است که این بازسازی هنوز هم پس از حدود ۱۵۰ سال تا امروز تغییر نکرده و همچنان در مجموع به همان شکل باقی‌مانده‌است. پایه‌ستون‌های محوطه ستون‌سرای آپادانا زنگوله شکل بودند، در حالی که شکل پایه‌ستون‌های بخش مرکزی چهار گوش و مربع شکل بود. این پایه‌ستون‌ها همگی بر روی ازاره‌هایی سنگی که همگی تقریباً چهارگوش بودند قرار گرفته داشتند. در سرتاسر محوطه ستون‌سرا، تکه‌های گوناگونی از ستون‌های شیاردار و سرستون‌هایی به شکل آرایه‌های گاو دوسر پراکنده و به چشم می‌خورد.



نگاره ۲: طرح لافتوس از محوطه کاخ آپادانا در شوش (طراحی دوباره از خانم آن سیرایت).

نمونه‌هایی از این پایه‌ستون‌ها و سرستون‌ها را چرچیل با دقت تمام نقاشی کرده است (که ما در اینجا با عنوان تصاویر ۳-۶ نمایش داده‌ایم) و در حال حاضر اصل آن‌ها همراه با چندین نقاشی دیگر به صورت یک مجموعه صحافی شده در پرونده‌های مربوط به کاوش‌های شوش در موزه بریتانیا نگهداری می‌شوند.^۱ در کتاب لافتوس، این نقاشی‌ها

۱. در نهم آوریل ۱۸۵۳، نامه‌ای از لافتوس برای هیأت امنای موزه بریتانیا خوانده شد که بر اساس آن گزارش خود درباره حفاری‌های شوش به پیوست چندین نقاشی را تقدیم هیأت کرده بود. گزارش مورد اشاره، احتمالاً همان گزارشی است که بعدها با عنوان Loftus 1856 (Transactions of the Royal Society of Literature) منتشر گردید، ولی نقاشی‌های پیوست نامه در حال حاضر قطعا در Western Asian Antiquities Department نگهداری می‌شوند.

در هم ادغام شده‌اند تا تصویر ایجاد یک سرستون ترکیبی القا شود. (Loftus 1857: fig. on p. 369) البته لافتوس موفق به گمانه‌زنی درباره تعیین ارتفاع ستون‌ها نشد، چرا که هیچ‌کدام از ستون‌ها به صورت سالم و دست‌نخورده پیدا نشد. به همین دلیل لافتوس پیش خود نتیجه‌گیری کرد که در اصل تمام ستون‌ها (خواه ستون‌های محوطه ستون‌سرا و خواه ستون‌های محوطه مرکزی کاخ آپادانا) همگی دارای سرستون‌هایی از نوع گاو دوسر بوده‌اند.

آنچه به لحاظ تاریخی از اهمیت خاصی برخوردار بود، مسئله کشف سه‌پایه‌ستون (شماره‌های ۱-۳) بود که روی آن‌ها کتیبه‌های میخی سه‌زبانۀ فارسی باستان، ایلامی و بابلی دیده می‌شد. (Kent 1950: pp. 113, 154, A2Sa) در این کتیبه‌ها روایت فعالیت‌های ساختمانی اردشیر دوم (۴۰۴-۳۵۹ پ. م) به شرح زیر ثبت و ضبط شده بود:

«..... می‌گویند اردشیر شاه بزرگ، شاه شاهان ... این کاخ را نیای من برپا کرد؛ آن گاه در روزگار پدر بزرگم اردشیر کاخ بسوخت؛ به لطف اهورامزدا ... من این کاخ را ساختم». از پایه‌ستون چهارم تنها یک زیرستون پیدا بود، ولی در هر صورت لافتوس چنین گمانه‌زنی کرد که قطعاً آن ستون نیز مشابه همین سه ستون دیگر بوده‌است. (Loftus 1857: pp. 1-370)

بعدها لافتوس این کتیبه‌ها را با دقت تمام نسخه‌برداری کرد و در قالب تصاویر (۱-۵) این مقاله در یک جلد منتشر نمود و هرچند این اثر بسیار نایاب است، اما عنوان کامل آن به شرح زیر است:

Lithographic Facsimiles of Inscriptions in the Cuneiform Character (Loftus 1859).

درست در بخش جنوب غربی کاخ آپادانا، در بخش شمالی ترانشه ۱ و در عمق تقریباً ۳ متر و ۳۵ سانتیمتر، لافتوس به یک پیاده‌رو آجرفرش برخورد کرد که سطح آن پوشیده از «مقادیر بسیار زیادی دیوار آوار شده بود؛ دیوارهایی از جنس آجرهای قالبی ترکیبی که روی سطح بسیاری از آن‌ها نشانه‌هایی از نقش برجسته‌های لعاب‌دار و طرح‌ها و

پیکره‌های رنگارنگ دیده می‌شد». (Loftus 1857: p. 396) در میان طرح‌های کوچکتر، تعداد بسیار زیادی طرح گوی بالدار و روبان دیده می‌شد. لافتوس به درستی می‌گفت این آجرها حتماً از آرایه‌های «کاخ بزرگ شوش بوده‌اند». (۱۸۵۷: ۳۹۶-۷) اکنون نیز عقیده بر این است که مناطق مسکونی کاخ آپادانا و احتمالاً راهروهای دسترسی به کاخ دارای تعداد بسیار زیادی از این گونه سطوح، دیوارها و آجرهای لعاب‌دار بوده‌اند که بر روی آن‌ها تصاویر کمانداران، پیشکش‌آوران، انواع شیر، گاونر و شیردال دیده می‌شده‌است. لافتوس به خصوص بسیار تحت تأثیر نشانه‌های سطوح روکش آجرها قرار می‌گیرد که وی به درستی آن‌ها را نشان‌های ویژه یا امضای بناها یا سازندگان آجرها می‌نامد. لافتوس نوعی جدول قابل استفاده طراحی کرد (Loftus 1859: pl. 7= Loftus 1857: fig. on p. 397) که ما آن جدول را در اینجا با عنوان نگاره ۳ نمایش داده‌ایم و نشان داده‌ایم که این نشانه‌ها چه ارتباطی با یکدیگر داشته‌اند. این نشان‌ها به سه دسته گوناگون تقسیم می‌شده‌اند: نشان‌های تقریباً نوک‌تیز (ستون ۱ جدول) نشان‌های تیره‌رنگ نزدیک لبه جلوی آجر (ستون ۲ جدول) و نشان‌هایی که با رنگ روشن به صورتی غیر حرفه‌ای رنگ‌آمیزی شده‌اند. (ستون ۳ جدول) تعداد هر نشان روی هر آجر، بین یک تا سه نشان متغیر بود و به صورت ترکیبات گوناگونی از رنگ‌ها به کار رفته بودند. (Loftus 1859: pl. 7=Loftus 1857: fig. on p. 397) این نشان‌ها دارای اهمیت بسیار زیادی بوده و نیازمند بررسی و پژوهش بیشتری هستند. نشان‌های ستون ۱ بسیار اسرارآمیز به نظر می‌رسند، برخی در ستون ۲ نیز به گونه‌ای است که گویی برگرفته از الفبای آرامی هستند، همچنانکه نشان‌های ستون ۳ نیز احتمالاً شاخص عددی هستند که نمایشگر شماره ردیفی است که آجر به آنجا تعلق داشته‌است. این نشان‌های نصاب/بنا (fitters' marks) برای من از ارزش بسیار زیادی برخوردار هستند، چرا که در کاوش‌های اخیر ما در نمرود عراق در پاییز ۱۹۸۹م، ما به بخشی از یک دیواره آجر لعاب‌دار در اتاق T20 در قلعه شلمانصر برخورد کردیم. این آجرها دارای دو نوع نشان نصاب بودند؛ نشان‌های آرامی که با رنگ سیاه نوشته شده و نشان‌های تصویر نگاشت

(pictogram) ناشناخته که با قلم سفید نگاشته شده بودند. (Curtis 1992: p. 162,)

(fig. 13)



1	2	3	1	2	3
	⊕	∇∇	F <	♀ ⊕	+
⊥	f	lllo	∩	∩	≡ l o o
	↓		∩	↓	
⊥	∩			∩	o o o
⊥	∩	∇∇		♀	∩
	∩	o	∩	∩	o o o
	∇	∩			≡ o o ≡
		∩	∩	∩	∩ +
		∩	∩	∩	∩ o o ∩
	∇		∇		≡ ∩ ∩ ∩
	x	l	∩	∩	∩ o o ∩
⊥			∩	∩	
∩					∩ + ∩
	*		∩		∩ ∩ ∩
	+				∩ o o ∩
+ ∩		∩	∩	∩	∩ ∩ ∩
∩	∩	∩		∩	
∩	∩			∩	∩ o o ∩
	∩			∩	
∩	∩	∩		∩	∩ o o ∩
	∩			∩	
∩	∩	∩		∩	∩ o o ∩
	∩			∩	

نگاره ۳: جدول نشان‌های نصاب/بنا مشاهده شده روی آجرهای لعاب‌دار

(Loftus 1857: p. 397).

لافتوس به صراحت عنوان کرده که نمونه‌های این نوع آجرهای لعاب‌دار هخامنشی یافت شده در شوش، به موزه بریتانیا فرستاده شده‌اند، (۱۸۵۷: note on p. ۳۹۶) اما در حال حاضر تنها نمونه آجرهای لعاب‌دار ثبت شده در موزه که به نام آجرهای یافت شده در شوش وجود دارند به آن منطقه تعلق ندارند! به نظر می‌آید در این مورد در زمان ثبت اشیا قطعاً اشتباهی رخ داده است. با این وجود، این امکان وجود داشته تا ۴ آجر (که منشأ پیدایش آن‌ها ناشناخته بود) را شناسایی کنند؛ ۴ آجر که تقریباً قطعاً مربوط به کاوش‌های لافتوس در شوش هستند. (شماره‌های ۱۰۴-۱۰۷؛ تصاویر ۲۰ الف-د) از طرح‌های روی این آجرها، یکی نیز به شکل گوی بالدار ((winged disc است.

در انتهای جنوبی ترانشه ۱ (با طولی در حدود ۱۵۲ متر) که هنوز هم روی تپه آپادانا وجود دارد در عمقی نه چندان زیر سطح، یک خمره لعاب‌دار کوچک پیدا شد که پر از «سکه‌های کوفی» بود؛ ۱۷۰ قطعه از این سکه‌ها گردآوری شد که برخی از آن‌ها به موزه بریتانیا فرستاده شد.^۱ این سکه‌ها مربوط به دوران خلفای اموی (قرن‌های ۷ و ۸ م) بودند. بدیهی است کشف چنین مسکوکاتی چه ولوله‌ای میان کارگران لافتوس ایجاد کرده است. (Loftus 1856-7: pp. 436-7; 1987: pp. 399-400)^۲

با حرکت به سمت بخش موسوم به «شهرشاهی» (تختگاه بزرگ) در منتهی‌الیه محلی که به نام «سیاه‌چال/زندان» شناخته می‌شود، در نقطه‌ای با نشانه L لافتوس متوجه شد «زمانی در اینجا یک عمارت ستون‌دار دیگر وجود داشته» که بعدها کاملاً ویران شده است. این تکه‌های خرد شده از جمله تکه‌هایی از یک ستون شیاردار، پایه‌های چند ستون کوچک و جداره‌ها و قرنیز مرمری دارای آرایه‌های رز مینیاتوری (rosette) دوباره

۱. از این سکه‌ها، ۵۰ قطعه در همان زمان در دفتر ثبت بخش Department of Coins and Medals به ثبت رسیده‌اند (1853-12-19.5-54).

۲. دیگر یافته‌های مربوط به تپه آپادانا و محوطه حوالی آن، ظاهراً تعدادی ظروف و اشیا سفالی دیگر بوده‌اند که در نقاشی‌های مجموعه Susa Drawings: pl. 12 (در اینجا، با عنوان تصاویر ۱۰ ب به نمایش درآمده‌اند) قرار داشته‌اند. البته، در حال حاضر هیچ یک از این اشیا قابل ردیابی نیستند.

در کفپوش مسیرهای درونی سایر ساختمان‌های این مجموعه به کار گرفته شده بوده‌اند. (Loftus 1857: pp. 401-2) از لابلای آوار موجود در محل نیز چند پایه‌ستون به دست آمد که «نمونه‌های کوچک پایه‌ستون‌های یک‌پارچه سنگی بزرگ زنگوله‌ای شکل درون محوطه کاخ آپادانا بودند».^۱ روی یکی از این پایه‌ستون‌ها، کتیبه‌ای سه زبانه از اردشیر دوم یافت شد که هر زبان در یک خط بود. (Loftus 1957: p. 402; 1859: pl.) (Weissbach 1911: pp. XXVII, 125, Art. Susa b= Kent 16=Weissbach 1911: pp. XXVII, 125, Art. Susa b= Kent 1950: pp. 113, 154, A2Sb) این نکته به دلیل وجود کاخ دیگری از اردشیر در این محل (که مورد اختلاف صاحب‌نظران است) از اهمیت خاصی برخوردار است. (Harper et al. 1992: pp. 217-8, n. 12) تنی چند از صاحب‌نظران بر اساس کتیبه‌های موجود قائل به وجود این کاخ شده‌اند، هر چند شواهد باستان‌شناختی کافی در دست نیست. به همین دلیل، این کشف لافتوس دارای اهمیت خاصی است؛ ولی متأسفانه به توضیحات و توجیحات لافتوس توجه نشده و نقاشی‌های چرچیل از این ستونها نیز (که در اینجا در قالب تصویر ۷ الف نشان داده شده‌است) هیچگاه تاکنون منتشر نشده‌اند. اما در هر صورت این یافته لافتوس به معنای اثبات قطعی این نکته نیز نیست، چرا که وی به صراحت می‌گوید این ستون‌ها دوبار مورد استفاده قرار گرفته‌اند و در زمان کشف نیز در محل دوم استفاده از آن‌ها قرار داشته‌اند.^۲

در سمت جنوب غرب آپادانا، در ترانشه M و در زیر «چند گور نسبتاً جدید عرب‌ها» پایه‌ستون کوچک دیگری کشف شد که روی شالوده‌ای چهار گوش با ابعاد ۱ متر و ۱۴ سانتیمتر قرار گرفته بود. روی این شالوده، مطلبی به آرنایدیس حاکم شوش از طرف دوستش فیثاغورت (Pythagoras) پسر شخصی که آریستارخوس (Aristarchus) نام داشت. (Curtis 1989: p. 57, fig. 67; Loftus 1857: pp. 402-3, fig. ; pl. 7b) حک شده

۱. تعداد بیشتری از اینگونه ستون‌ها در ترانشه M در حوالی همین محل به دست آمد (Loftus 1857: p. 404).

۲. لافتوس، علاوه بر این اثر بخشی یک کتیبه سه زبانه دیگر را منتشر کرد، اما محل دقیق نشر را ذکر نکرده‌است: Loftus 1859: pl. XVI, no. 2 = Weissbach 1911: pp. XXVII, 125, ART Susa d=Kent 1950: pp. 114, 154-5, A2Sd.

بود. از آنجا که این کتیبه به شکل واژگونه است، در نتیجه لافتوس چنین گمانه‌زنی کرده که لابد زمانی که ستون برپا و نصب بوده چنین متنی روی آن کنده‌کاری شده‌است. کمی آن سوتر به سمت شمال محوطه، در فاصله حدوداً ۴/۵ متری پایه‌ستون دیگری از جنس آهک یافت شده که به رنگ مایل به زرد بود و روی آن نیز کتیبه‌ای واژگونه و به زبان یونانی به چشم می‌خورد. (Loftus 1857:p. 404)

همچنین در همین محوطه (در ترانسه N) «چندین سکه از نوع سکه‌های متعلق به مناطق تابعه اشکانیان»^۲ پیدا شد و در کنار آن‌ها تکه خرده‌هایی از پیکرک‌هایی از جنس رخام گچی ((alabaster که ظاهراً روی آن‌ها نیز طرح‌هایی یونانی دیده می‌شد. (همان منبع پیشین) این پیکرک‌ها شامل دو تکه از بدن یک مجسمه کوچک سنگی از یک زن با لباس یونانی هستند. (تصویر ۱۱ الف، ۱۸ پ) تکه خرده‌های این پیکرک‌ها یادآور پیکرک‌های یافت‌شده در هاترا هستند (Safar and Mustafa 1974: pp. 256-7) و چه بسا متعلق به زمان اشکانیان باشند. از «درون دیگر ترانسه‌های تختگاه بزرگ» (یعنی محوطه شهر شاهی و سیاه‌چاله/زندان) نیز «شمار اندکی از اشیاء دست‌ساز شیشه‌ای» و «گلدان‌های گلی» به دست آمد. اشیاء شیشه‌ای احتمالاً همان‌هایی هستند که در حال حاضر در «بخش عتیقه‌جات موزه بریتانیا» نگهداری می‌شوند. (no. 10a,17b, fig.6) کارشناسان بر این باورند که بیشتر این اشیاء متعلق به دوران بنی‌امیه هستند.^۳ به استثنای یک تکه‌پاره

۱. همچنین، در محوطه «دارالسطنه شوشان» (آپادانا) بخشی از یک لاشه‌سنگ زیر ستون یافت شد که دارای کتیبه‌ای به خط ایلامی بود (Loftus 1859: pl. 17=Konig 1965: no. 28CI). این تخته‌سنگ مربوط به دوران زمامداری شوتروک ناهوتنه اول بود و ظاهراً فهرستی بود از میزان خراج پرداختی شهرهای منطقه بابل. محل دقیق نگهداری از این تخته‌سنگ نامشخص است. اگر بر اساس نسخه لافتوس بخواهیم قضاوت کنیم، باید ابعاد آن قاعدتاً در حدود ۴۳ سانتیمتر در ۱۳/۵ سانتیمتر باشد.

۲. این سکه‌ها قاعدتاً باید همان ۲۱ قطعه سکه‌ای باشند که با مشخصات 1853-9-12-19.1-4 and 1856-9-23-1-17 در Department of Coins and Medals ثبت شده‌اند. تمام این دسته سکه‌ها متعلق به دوران الیمایی هستند به جز 1853-12-19.4 که در سلوکیه واقع در منطقه دجله ضرب شده بوده است. ۱۶ قطعه از سکه‌های الیمایی در کاتالوگ موزه بریتانیا ثبت شده‌اند:

Hill 1922:Kamnaskires III and successors nos. 28,30: Orodes II,nos. 1,3,51-53,57,60-61,63,95-96,110-112.

۳. درباره ظروف شیشه‌ای مشابه این ظروف در میان یافته‌های حفاران فرانسوی در شوش، نگاه کنید به Lamm 1931: pl. LXXVI, nos. 1-2, 5, 7.

سفال که کاملاً مشخص هست به دوران پیشاتاریخ تعلق دارد، (no. 90) سفال‌های فعلی موجود در موزه بریتانیا (nos. 84-89,91-7) عمدتاً دارای لعاب سبز رنگ بوده و متعلق به دوران‌های اشکانی و ساسانی یا دوره صدر اسلام است. این مجموعه شامل سه کاسه و پنج چراغ پیه‌سوز می‌شود. علاوه بر این، از ترانسه‌های تختگاه بزرگ اشیاء به این شرح به دست آمد: «تابوت‌های بی‌آرایه اشکانی یا ساسانی و چندین خمره استوانه‌ای به طول یک متر و اندی که بقایای جنازه چند کودک در آن‌ها دیده می‌شد.» (همان منبع پیشین) در بخش اصلی محوطه تپه «شهر شاهی» در ترانسه K واقع در گوشه جنوب غربی محل و در عمق حدوداً ۶ متر و ۷۰ سانتیمتر مجموعه‌ای در حدود ۲۰۰ پیکرگ گلی به دست آمد که بیشتر آن‌ها شامل «مجسمه عریان چندین ایزدبانو» بودند. (Loftus 1857: pp. 378-9) در حال حاضر در حدود ۴۰ قطعه از این پیکرک‌ها در موزه بریتانیا وجود دارد. (no. 8-48) هرچند از لحاظ شکل ظاهری این پیکرک‌ها بسیار به یکدیگر شباهت دارند ولی به‌طور قطع از قالب‌های بسیار متفاوتی بیرون آمده‌اند. به نظر می‌رسد این مجموعه را می‌توان به ۱۱ گروه دسته‌بندی کرد. کاملاً پیداست که همگی پیکرک‌های باروری هستند و رابطه قطعی آن‌ها با زایمان و فرزندآوری از طریق مشاهده پستان‌های بسیار درشت، باسن‌های پهن و قسمت مثلثی منطقه شرمگاهی درشت اثبات می‌شود. حتی در برخی موارد خطوط و شیارهای دور ناف و سطح شکم که از عوارض بسیار رایج بارداری است با دقت تمام به نمایش درآمده‌اند. (تصویر ۱۳ ج) این زن‌ها دستارهایی بر سردارند که بسیار مفصل و چند لایه بوده و آگنس اسپایکت (Agnes Spycket in Harper et. al.) آن‌ها آویزی بین دو سینه خود آویخته‌است. این پیکرک‌ها خاص شوش بوده و شمار بسیاری از همسانان آن‌ها بعدها در کاوش‌های فرانسوی‌ها به دست آمده‌اند. (۱۹۹۲: pls. 119-130; Ghirshman 1968 (Spycket

۱. پس از این سخنرانی اینجانب، دوشیزه خانم جون بیچلی (Joan Beachley) از نیویورک به من یادآور شد که شیارهایی مشابه در پیکرک‌های توتیهواچان (Teotihuacan) در امریکای مرکزی نیز مشاهده شده است.

شده است. (Negahban 1991:pls. 25-26,nos. 173-182) پیکرک‌ها متعلق به دوران ایلام میانه هستند؛ یعنی نیمه دوم هزاره دوم پ.م. در ترانسه دیگری در همان حوالی (ترانسه J) یک قالب تولید پیکرک‌های زن برهنه به دست آمد، اما دقیقاً از نوع قبلی نبود. (Loftus 1857: pp. 379-80; no. 53) در این مورد، دست‌ها به حالتی که لای انگشت‌ها باز هست روی شکم قرار گرفته و از لحاظ ساختاری، پیکره بسیار ساده‌تر است. از همان ترانسه J چندین لوح کوچک نقش‌دار گلی به دست آمد که مردهایی برهنه را در حال عود نواختن نشان می‌داد (nos. 54-6) و نیز چند پیکرک از گاوهای نر کوهان‌دار نیز یافت شد. (Loftus 1857: p. 380; nos. 58-9) افزون بر این‌ها، نمونه‌های بسیار زیادی پلاک از همین‌گونه نوازندگان از حفاری‌های فرانسویان در شوش (Spycket 1992:pls. 141-9) و یکی دو نمونه از هفت‌تپه نیز به دست آمده است. (Negahban 1991:pl. 26,no. 185) همه این پیکرک‌ها نیز همگی متعلق به دوران ایلام میانه هستند، همچنانکه احتمالاً گاوهای نر کوهان‌دار نیز به همانگونه هستند و شباهت بسیار زیادی به نمونه‌های یافت‌شده در هفت‌تپه دارند. (Negahban 1991:pl. 27, no.188)

روی تپه قلعه (آکروپولیس) حتی تا پیش از ورود لافتوس و چرچیل در سال ۱۸۵۰م "هرمستونی (obelisk) با کتیبه‌ای از شاه سوسرا (Susra)" به وضوح هرچه تمام‌تر دیده می‌شد که راولینسون نیز آن را به چشم دیده بوده است. (۱۸۵۰:۴۸۲p) به روایت لافتوس، این هرمستون در دامنه سمت جنوب غربی تپه در انتهای ترانسه A درون خاک‌ها افتاده بوده است. توصیف لافتوس از این هرمستون به این شرح است: "از جنس آهک مایل به آبی رنگ و شبیه به سنگ پای سیاه و شکننده است که ظاهراً تکه‌ای است از یک هرمستون". (Loftus 1857:pp.343-4) کتیبه نگاشته شده روی هرمستون نشان می‌دهد که این سنگ‌ستون (stela) از جای دیگری به شوش آورده شده و شیلهاک-اینشوشیناک اول (Shilhak-Inshushinak I) آن را برپا کرده بوده است.

۱. در زمینه تاریخچه عود در بین‌النهرین باستانی، نگاه کنید به:

Collon and Kilmer 1980.

(Loftus 1859:pl. 13=Konig 1965: no. 55) ابعاد این سنگ‌ستون تقریباً ۷۱ سانتیمتر در ۶۳ و نیم سانتیمتر بود، اما از سرنوشت بعدی آن خبری نیست. در انتهای شمالی تپه قلعه در ترانشه D "دیواری باستانی از جنس آجر" یافت شد که روی سطح کنار بسیاری از آجرها کتیبه‌هایی به خط میخی در ۵ یا ۶ سطر دیده می‌شد. (Loftus 1857:p. 407) لافتوس به درستی این آجرها را "بقایای قطعی دورانی پیش از پادشاهان هخامنشی" ارزیابی کرد. (Loftus 1857: p. 408) وی بعدها تصاویر این آجرها را که متعلق به دوران اونتاش-ناپیریشا، شوتروک-ناهونته اول، کوتیرناونته و شیلهاک-اینشوشیناک اول می‌دانست را چاپ و منتشر کرد. (Loftus 1859: pls. 8-12; Konig 1965: nos. 10a, 13, 18, 30, 32)

همچنین در بخش شمالی تپه قلعه (Loftus 1857:pp. 408-9) اشیاء به این شرح به دست آمد: "یک پی ستون شکسته از جنس آهک آبی‌رنگ" با روکشی از یک کتیبه به خط میخی؛^۱ "قطعه‌ای از یک پاشنه لولای در از جنس سنگ"؛ یک مجسمه غیرحرفه‌ای و شکسته از گردن یک پرنده؛ "بخشی از یک مجسمه صیقل داده شده از جنس سنگ سیاه همراه با نشانه‌هایی از وجود نوعی خط میخی کتیبه‌ای"؛ "قسمتی از یک پی ستون از جنس ماسه‌سنگ سرخ همراه با کتیبه‌ای که به زیبایی تمام به زبان فارسی باستان روی آن کنده‌کاری شده بود. از دیگر اشیاء خرده‌ریزه می‌توان از مواردی از این گونه نام برد: یک قطعه حرز سفالی که با عنوان "حرز حیات‌بخش" (crux ansata) توصیف شده‌است؛ (no. 73) یک بسته نوک پیکان آهنی که احتمالاً متعلق به دوران اسلامی هستند؛ (no. 2) "دو یا سه قطعه زینتی تخت از جنس مس که به نمونه‌های یافت‌شده در آشور روی مجسمه‌های سوار بر اسب شباهت دارند"؛ (no. 4) یک "شی شبیه به طایس تخته نرد و البته فاقد ظرافت"؛ (no. 62) و یک عدد پیکرگ گلی مخروطی شکل که روی آن

۱. به نوشته لافتوس (Loftus 1857:pp. 408)، ام. اوپرت (M. Oppert) این خط را متعلق به دوران "اواخر ساسانی" دانسته است. این پی‌ستون احتمالاً همان تخته‌سنگ کنده‌کاری شده کتیبه‌داری است که در حال حاضر با شماره ۸۳ در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود.

کنده‌کاری شده‌است و مربوط به دوران زمامداری پوزور-اینشوشیناک (Puzur-Inshshinak) در تقریباً ۲۱۰۰ پ. م است. (no.60)

همچنین در همین محل مجموعه بزرگی از چندین تکه از چند گلدان رخامی یافت شد "که گنجایشی به اندازه یک فرغون امروزی را داشتند". (۴۰۹p.:۱۸۵۷) لافتوس از میان این همه گلدان پنج‌تای آن‌ها را که روی آن‌ها کنده‌کاری شده بود برگزید و به موزه بریتانیا فرستاد. (nos. 78-82) این کنده‌کاری‌ها نام خشایار (۴۸۶-۴۶۵ پ. م) به زبان‌های فارسی باستان، ایلامی، بابلی و هیروگلیف مصری را بر خود دارند.

لافتوس تقریباً در اواخر روایت خود از حفاری‌های شوش به کشفی فوق‌العاده اشاره می‌کند: "سنگای زردفام و از جنس سنگ آهک که در آبراه شاوور در کناره آرامگاه دانیال یافت شد". (Loftus 1857:pp. 414-5, fig. on page 415) تا آنجا که اینجانب اطلاع دارم این سنگاب دیگر در شوش وجود خارجی ندارد. اما یک نقاشی بسیار جالب توجه از این سنگاب توسط چرچیل کشیده شده‌است که اکنون در موزه بریتانیا در مجموعه موسوم به "Susa Drawings" (در اینجا، تصویر ۱۲) دیده می‌شود. بر اساس این نقاشی، این سنگاب یک تکه سنگ یک‌پارچه چهارگوش بوده که درون آن خالی است و اطراف آن تصویر مجسمه‌های تزیینی دو مرد برهنه دیده می‌شود که در حالی که پاهای‌شان به هم گره خورده روی کمر خوابیده‌اند و بالای سر هر یک از آن‌ها یک شیر قرار دارد. این صحنه به شکل بسیار شگفت‌آوری تقسیم‌بندی شده، به گونه‌ای که تصویر دو شیر به صورت پشت به هم روی سمت بزرگتر سنگاب نمایش داده شده ولی پاهای دو مرد تا سمت کوچکتر سنگاب کشیده شده‌اند. بدن دو مرد برهنه نیز روی قسمت کوچکتر سنگاب قرار دارد. این قطعه سنگ بزرگ تزیینی قبل از لافتوس هم دیده شده بوده‌است، از جمله در گزارش کریپوتر (Ker Porter 1821-22:II, pp. 416-7) و نیز شخصی با نام سرگرد مونتیت (Monteith)) که چند سال پیش از ۱۸۱۸م از شوش دیدن کرده بود.^۱ هرچند طرح کلی ترسیم شده در گزارش پورتر بسیار خام‌دستانه است (p.

۱. در زمانی که من سخنرانی خود در این محل را ایراد می‌کردم، از نقاشی کرپوتر (Ker Porter) آگاهی نداشتم ولی اکنون از پروفسور کالمیر (P. Calmeyer) برای یادآوری این نکته به من سپاسگزارم. همچنین، برای یادآوری

طرح اطلاعات ارزشمندی در اختیار ما می‌گذارد که در جای دیگری به دست نمی‌آید، از جمله اینکه کل این سنگ ("از جنس مرمر سفید") دارای این ابعاد بوده‌است: تقریباً ۵۰ سانتیمتر در تقریباً ۲۵ سانتیمتر. لایارد نیز در هنگام مسافرت به شوش در سال ۱۸۴۰م این سنگاب را دیده بوده‌است، اما توضیحات وی اطلاعات بیشتری در اختیار ما قرار نمی‌دهد. (نگاه کنید به Layard 1887: II. Pp. 296-7)

در کاوش‌های بعدی گروه‌های باستان‌شناس فرانسوی در شوش نیز گزارش‌هایی بسیار شبیه به این روایت لافتوس دیده می‌شود. بر اساس یکی از این گزارش‌ها، این تکه سنگ بزرگ که ۵۹ سانتیمتر مربع حجم داشته‌است باز هم توخالی توصیف شده و چهار طرف آن با تصاویر مجسمه‌هایی تزیینی پوشانده شده بوده‌است. (Amiet 1966: pp. 535-7, no. 410) این تصویر شامل جنازه دو مرد برهنه است که چند لاشخور در حال نوک زدن به بدن آن‌ها هستند. برخی بر این باورند که این قطعه سنگ بزرگ و یکپارچه در واقع پایه‌ستون یک تندیس بوده‌است. به همین دلیل تردیدی نیست که این دو سنگاب یکدیگر ارتباط داشته و هردو متعلق به یک دوره زمانی هستند. اما به راستی سنگاب درون موزه لوور مربوط به چه دورانی است؟ آمیه (Amiet) آن را متعلق به دوره نو-ایلامی، یعنی قرن‌های هشتم و هفتم پ. م می‌داند، اما دیگر صاحب‌نظران از جمله کالمیر مدافع تاریخی پیش از آن بوده‌اند. طبعاً این تاریخ دوم اعتبار بیشتری دارد و احتمالاً مناسب‌ترین تاریخ برای هردوی این آثار حدوداً حوالی دوران بابل باستان خواهد بود.

راولینسون در پایان کاوش‌های خود به لایارد گزارش می‌کند که لافتوس «بدون اینکه آثار چندان با ارزشی پیدا کند تیه شوش را به توبره کشیده»^۱ اما این واقعاً کم‌لطفی زیادی در حق دستاوردهای لافتوس بود. واقعیت این است که چکیده دستاوردهای لوفتوس

شبهت این تخته‌سنگ با پایه مجسمه (socle) یافت‌شده در حفاری‌های فرانسویان در شوش نیز وامدار ایشان هستیم.

1. Barnett 1976:p. 8, n. 11.

در کاتالوگ نمایشگاه اخیر آثار شوش در موزه بریتانیا در پیش چشم همگان قرار داده شده بود. لافتوس توانست "ثابت کند که این شوش همان دارالسلطنه شوشان مذکور در کتاب مقدس است؛ لافتوس موفق شد کاخ آپادانا را شناسایی کند... و نیز لافتوس موفق شد برای نخستین بار نقشه کلی محوطه تپه‌های باستانی شوش را تهیه کند. (۱۹۹۲: p. 21 Harper et. al.) با این وجود راولینسون و هیأت امنای موزه بریتانیا تصمیم بر قطع عملیات حفاری در شوش گرفته بودند چرا که از نظر خودشان به این نتیجه رسیده بودند که در تپه‌ها عملاً چیز دیگری برای کشف شدن باقی نمانده است. چه اشتباهی! دلیل آن؟ گنجینه ذخایر باشکوهی که بعدها باستان‌شناسان فرانسوی در آن مکان از دل تپه‌ها بیرون آوردند! به همین دلیل لافتوس به ناچار در سال ۱۸۵۴م راهی ورکا/ورقاء در بین‌النهرین می‌شود و به نمایندگی از تشکیلات موسوم به "صندوق کاوش‌های آشور" (Assyrian Excavation Fund) حفاری‌هایی انجام می‌دهد و بین سال‌های ۵۵-۱۸۵۴م نیز در نینوا به نمایندگی از موزه بریتانیا کارهای مشابهی انجام می‌دهد. تردیدی نیست که اگر لافتوس در شوش به کاوش‌های خود ادامه می‌داد، کل الگوی پژوهش‌های باستان‌شناسی در خاور نزدیک سرنوشت دیگری پیدا می‌کرد، اما چه باید کرد که هیچ‌کس از بازی‌های چرخ بازیگر دنیا خبر ندارد!

فهرست اشیاء کشف‌شده توسط لافتوس در شوش که در موزه بریتانیا نگهداری می‌شوند:

الف : یافته‌های فلزی

1. (تصویر ۴) 53-12-19,3

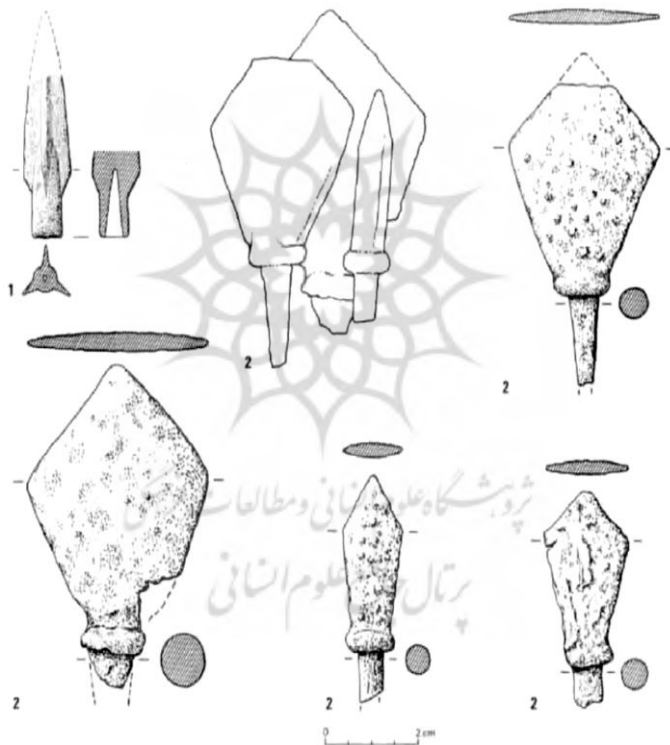
سریپیکان مفرغی، به شکل توپی و متشکل از سه بخش، که در حالت فعلی نوک آن‌ها از بین رفته است.

طول فعلی، حداکثر ۳ و ۱ سانتیمتر، عرض ۱/۶ سانتیمتر.

(در اینجا، تصویر ۸) SUSA Drawings: pl. 17, no. 4

۲. مجموعه‌ای از ۴ سرپیکان آهنی که همگی در زمان پیدا شدن دچار خوردگی شدید بوده و در هم فرو رفته‌اند. این سرپیکان‌ها همگی تیز شده بوده و دارای تیغه پهن و مسطح و لوزی شکل هستند. کله‌گی (tang) تمام نمونه‌ها از بین رفته است. طول فعلی ۳ و ۹ سانتیمتر تا حداکثر ۳ و ۹۵ سانتیمتر؛ عرض ۱ و ۳ سانتیمتر تا ۳ و ۸ سانتیمتر.

(در اینجا، تصویر ۸) Susa Drawings: pl. 17, no. 3.



نگاره ۴: سرنیزه‌های مفرغی و آهنی (نقاشی‌ها از خانم آن سیرایت).

3. 53-12-19.2

در دفتر ثبت موزه بریتانیا، به عنوان زنگوله مفرغی با حلقه‌ای در قسمت بالای آن به ثبت رسیده است. ارتفاع ۳/۵ سانتیمتر. یافت نشد.

Susa Drawings: pl. 17, no. 2 (در اینجا، تصویر ۸).

4. 53-12-19, 61

در دفتر ثبت موزه بریتانیا، به عنوان روبان مسطح مفرغی که بخش عمده آن شکسته شده، به ثبت رسیده است. قطر $\frac{3}{6}$ سانتیمتر. یافت نشد.

5. 53-12-19.62_64

در دفتر ثبت موزه بریتانیا، به عنوان چندین میخ مفرغی به ثبت رسیده‌اند. تصاویر به ترتیب در ابعاد واقعی 5.6, 4.8, 2.8 سانتیمتر. یافت نشدند.

6. 53-12-19, 65-66

در دفتر ثبت موزه بریتانیا، با عنوان حلقه‌های مفرغی ساده توصیف شده‌اند که قطر هر یک به ترتیب $\frac{2}{3}$ و $\frac{2}{5}$ سانتیمتر بوده است. یافت نشدند.

7. 53-12-19, 67

طرحواره‌ای کلی در دفتر ثبت موزه بریتانیا، بخشی از آن را که قطعه‌ای است احتمالا به شکل لولا به تصویر کشیده است. طول $\frac{4}{3}$ سانتیمتر. یافت نشد.

ب. پیکرک‌های گلی

پیکرک‌های زنان سینه به دست (سبک شوش)

مجموعه‌ای از ۴۱ پیکرک قالب‌ریزی شده گلی، یا تکه‌های مربوط به آن‌ها، که اکثرا کم و بیش یکپارچه هستند. هر پیکرک زنی عریان را نشان می‌دهد که سینه‌های خود را با دست نگه داشته و پشت کمر پیکرک صاف است. این پیکرک‌های زنانه، سرپوش‌های پیچ در پیچی دارند و مزین به النگو، پابند و گردن‌بند یا طوق هستند. آویزی از گردن هر کدام از این زن‌ها آویزان شده و میان سینه‌ها قرار گرفته است. همچنین این آویز به روبان پیچی که زیر سینه‌ها دیده می‌شود متصل شده است. روی سینه، نقش ستاره یا گل حک شده است. مثلث ناحیه شرمگاهی با چند ردیف چین‌خوردگی نشان داده شده است. در بعضی موارد، بی‌تردید شواهدی از ترک‌های پوستی بر روی شکم وجود دارد.

در اکثر موارد، روبان این مجسمه‌ها براساس مقیاس ما نسل به رنگ سفید با کد 5Y 8/2 است، اما تا طیف قهوه‌ای خیلی کم‌رنگ به کد 10YR 8/3 هم می‌رسد و در مواردی نیز به رنگ قرمز روشن با کد 10YR 6/8 درمی‌آید.^۱ من این مجسمه‌ها را «سبک شوش» نامیده‌ام چرا که خصوصیات زیادی را از شوش دارا هستند.

Loftus and Churchil n.d.: pl. 26, nos. 1-3(here pl. 9); Loftus 1857: fig. on p. 379; Budge 1922: p. 191, Van Buren 1930: p. 33, no. 169.

بسیاری از این پیکرک‌ها، با قالب‌هایی مشابه قالب‌ریزی شده‌اند و بر این مبنا می‌توان آن‌ها را به ۱۱ دسته متفاوت تقسیم کرد. این گروه‌ها را می‌توان براساس تفاوت‌های جزئی در ریزه‌کاری‌ها و یا اشتباهات حین قالب‌ریزی تقسیم کرد. اندازه ملاک قابل اتکایی نیست، چرا که پس از بیرون آمدن از قالب، این مجسمه‌ها اغلب ظرافت خود را از دست داده‌اند؛ یا تخت شده‌اند و یا از ریخت افتاده‌اند.



۱. مبنای توصیفات رنگ-محور، جداول توصیف رنگ خاکی مانسل (Munsell Soil Color Charts) در نظر گرفته شده است.

گروه ۱

8-21.

۱۴ پیکرک. بیشینه طول. ۱۵/۸ - ۱۶/۴۵ سانتیمتر. بیشینه عرض. ۵/۹-۵/۳۵ سانتیمتر.

53-12-19, 24 (pl. 13a; Curtis 1990 : fig. 14,right); 53-12-19,25; 53-12-19,26(pl. 13a); 53-12-19,28;53-12-19, 28;29;53-12-19,36 (فقط قسمت سر)

53-12.19, 8.3: 56-9.3, 1425/91825; 59-6-3, 1426/91826;56-9-3, 1429 (سر)

مفقود شده است

;56-9-3, 1431/91824;56-9-3, 1433/91832; ; (پاها مفقود شده است)

1435/91830;56-9-3, 1437/91831 (تصویر 13a)

گروه ۲

22-28.

تعداد ۷ پیکرک، با بیشینه طول ۱۵/۸۵ - ۱۶/۳ سانتیمتر و بیشینه پهنا ۵/۱۵ -

۵/۸۳ سانتیمتر (53.12-19.31 (pls. 13b -c); 53.12-19, 33

53-12-19, 35; (پاها، یافت نشد)

53-12-19, 37 فقط سر 53-12-19, 84; 53-12-19, 85. تصویر 13b;56-9-3,

1427/91829 تصویر 13b.

گروه ۳

29-36.

۸ پیکرک، با بیشینه طول ۱۵/۱۵ - ۱۶/۳ سانتیمتر؛ بیشینه پهنا ۵/۱ - ۵/۲۵ سانتیمتر.

53-12-19.27 (تصویر ۱۴ الف)؛ 53-12-19,30 (تصویر ۱۴ الف)؛ 53-12-19,32 (پاها،

یافت نشد)؛ 53-12-19,34 (پاها، یافت نشد) ؛ 53-12-19,38 (فقط سر، یافت شد)؛

56-9-3,1428 (پاها، یافت نشد) ؛ 56-9-3,1434 (پاها، یافت نشد)؛ 56-9-

3,1436/91827 (تصویر ۱۴ الف).

گروه ۴

37-38.

دو پیکرک، با بیشینه طول ۱۵/۶۲ - ۱۵/۶۹ سانتیمتر، بیشینه پهنا ۵/۳۵ - ۵/۴۸ سانتیمتر.

Seltman، 53-12-19, 22 (تصویر ۱۴ ب)؛ 1483/91822-3, 56-9-3 (تصویر ۱۴ ب، Seltman، 1927:pp. 70-71, fig.a).

گروه ۵

39-40.

دو پیکرک، با بیشینه طول ۱۴/۹ - ۱۵/۲۰ سانتیمتر و بیشینه پهنا ۵/۶ - ۵/۷ سانتیمتر.

53-12-19, 23 (تصویر ۱۴ ج)؛ 56-9-3,1439/91833 (تصویر ۱۴ ج؛ Curtis، 1990:fig.14, بخش میانی).

گروه ۶

41-42.

یک پیکرک و یک تکه از یک پیکرک، با بیشینه طول ۱۶/۹ سانتیمتر، بیشینه پهنا ۷/۶۳ سانتیمتر.

53-12-19,40 (تنها، سر یافت شد)؛ 56-9-3,1432/91823 (تصویر ۱۵ الف؛ Curtis، 1990:fig. 14, سمت چپ).

گروه ۷

43-44.

یک پیکرک و یک تکه از یک پیکرک، با بیشینه طول ۱۶/۰۵ سانتیمتر، بیشینه پهنا ۵/۶۶ سانتیمتر.

53-12-19,41 (تنها، سر یافت شد)؛ 56-9-3,1424/91828 (تصویر ۱۵ الف).

گروه ۸

45.

یک پیکرک، با بیشینه طول $۳/۴۷$ سانتیمتر و بیشینه پهنا $۴/۸۴$ سانتیمتر. 53-12-19.21 (تصویر ۱۵ الف).

گروه ۹

46.

یک پیکرک، با بیشینه طول $۱۵/۹۷$ سانتیمتر، پهنا $۶/۱۸$ سانتیمتر. 53-12-19, 86 (تصویر ۱۵ الف).

گروه ۱۰

47.

یک پیکرک، سر یافت نشد. بخش موجود، بیشینه طول $۱۳/۲$ سانتیمتر، بیشینه پهنا $۴/۸۶$. 56-9-3, 1430 (تصویر ۱۵ الف).

گروه ۱۱

48.

بخشی از پیکرک، فقط قسمت سر. 53-12-19, 39.

دیگر پیکرک‌های زن‌های برهنه

49. 56-9-3, 1420a (تصویر 15b)

بخشی از پیکره‌ای گلی که نشان‌دهنده بالاتنه و فقط دست‌های یک زن برهنه (در حالی که دست‌های خود را دور سینه‌هایش حلقه زده) در اندازه‌های متفاوت وجود دارد که در بالا با شماره‌های 8.48 مشخص شده‌اند. این زن چندین و چند ردیف گردن‌بند به خود آویخته است.

رنگ سطح 2.5Y 8/4 زرد کم‌رنگ و رنگ قسمت وسط صورتی مایل به 7.5YR 8/3.
4.1 × 5.15 cm.

50. 53-12-19.43 (15 c تصویر)

پیکرک سفالین زن برهنه با دستان گره کرده بر روی شکم. سر و پاها مفقود شده‌اند.
سطح و وسط، قهوه‌ای خیلی کم‌رنگ مایل به 10YR 8/3
بیشینه بلندی، ۹/۱ سانتیمتر؛ بیشینه پهنا، ۴/۰۳ سانتیمتر.

Loftus and Churchill n.d.: pl. 26, no. 4 (در اینجا، تصویر ۹).

51. 53-12-19.44 (15 c تصویر)

پیکرک سفالین زن برهنه با دستان گره کرده بر روی شکم. در هر دست، تعدادی دست‌بند
دارد و مثلث ناحیه شرمگاهی به شکل چندین و چند شیار مشخص شده است. سر،
سینه و اعضای پایین بدن همگی مفقود است.
رنگ قسمت سطح بدن، قهوه‌ای بسیار کم‌رنگ مایل به 10YR 8/4.
رنگ قسمت وسط، صورتی مایل به 5YR 8/4.
ارتفاع 7.7 سانتیمتر؛ پهنا، ۳/۶۷ سانتیمتر.

Loftus and Churchill n.d. : pl. 26, no. 5 (در اینجا، تصویر ۹).

52. 56-9-3, 1420/120448 (15d تصویر).

این قطعه، سر پیکر زنی برهنه را نشان می‌دهد که به بدن متصل است.

417, 5-12-55 که طبق دفتر ثبت موزه بریتانیا مبدأ آن شهر کویونجیک (Kouyunjik)/نینوا است.^۱ این تکه‌ها پیش‌تر و در عهد باستان شکسته شده و با قیر طبیعی به هم چسبانده شده‌اند. این پیکر، مدل موی پیچیده و پرپشتی دارد و در هر طرف سر 5 سوراخ وجود دارد که احتمالاً برای آویزان کردن گوشواره به کار می‌رفته است. دست‌ها و پاها مفقود شده‌اند.

رنگ سطح، مایل به سفید 5Y8/2 و قسمت وسط، صورتی مایل به 5YR 7/3. کاملاً پیدا است که در اینجا نوعی به هم‌ریختگی اطلاعات در دفتر ثبت موزه بریتانیا وجود دارد. به طور حتم مبدأ این پیکرها یا از شوش است و یا از شهر نینوا (و یا حتی از مکانی دیگر در بین‌النهرین که احتمالش کمتر است.) تا آنجایی که من اطلاع دارم، هیچ گونه اثر مشابهی از هیچ کدام از این دو مکان یافت نشده است، اما مدل موها، سایر پیکرهای یافت‌شده از شوش را به ذهن تداعی می‌کند. تعداد کمی از پیکرهای یافت شده از شوش، سوراخ‌هایی در دو طرف سر دارند. نگاه کنید به (e.g. Spycket 1992: pl. 113, no. 956, pl. 118, nos. 1020 – 1022).

قالب

53. 53-12-19.42 (تصویر 16a).

بخشی از قالب پیکر که پایین آن مفقود شده برای تولید پیکر زنی برهنه که دست‌های خود را روی شکم قرار داده است. انگشت‌های پیکر پخدار است. رنگ کلی ساختار، زرد کمرنگ مایل به 2.5Y8/4، همراه با سنگریزه‌های سیاه‌رنگ. بیشینه طول ۹/۷۵ در ۴/۷۵ سانتیمتر. ضخامت، ۲/۹ سانتیمتر.

(در اینجا، تصویر ۹) : pl. 26, no. 6 Loftus and Churchill n.d.

۱. این ارتباط را دوست همکارم، خانم کارول مندلسون (Carole Mendelson) متوجه شدند که هم اکنون در حال آماده‌سازی کاتالوگی از تمام پیکرهای گلی در "بخش آثار عتیقه غرب آسیا" هستند.

پیکرک‌های چندین نوازنده

54. 53-12-19.45/118001 (تصویر 16b).

لوح سفالینی که از قسمت پشت مسطح است، پیکر مرد برهنه و ریش‌داری را نشان می‌دهد که در حال ساز زدن (نواختن عود) است. بیشینه بلندی، ۸/۱۸ سانتیمتر پهنا، ۴/۲۸ سانتیمتر. رنگ سطح، سفید مایل به 2.5Y 8/2؛ وسط قابل مشاهده نیست.

(در اینجا، تصویر ۹) Loftus and Churchill n.d.: pl. 26, no. 8

Van Buren 1930: p. 212, n.1032, pl. L.V. fig. 264: Opificius 1961: p. 128. no. 454. (not illustrated).; Rimmer 1969; pl. Ivb.

55. 53-12-19, 46 (تصویر 16b)

لوح سفالینی که قسمت پایینی آن مفقود شده و مشابه شکل شماره 54 در بالا است و احتمالاً از قالب مشابهی ساخته شده است، اما اصل طرح کمی خدشه‌دار شده است. رنگ سطح، سفید مایل به 2.5Y 8/2، رنگ وسط صورتی مایل به 5YR 8/3. بیشینه ارتفاع، ۸/۲ سانتیمتر؛ پهنا، ۳/۰۶ سانتیمتر.

56. 53-12-19, 47/91889 (pl. 16b).

لوح منقوش سفالی؛ از ناحیه پشت مسطح و نمایانگر مردی برهنه و بدون ریش با حالتی پاچنبری در حال نواختن عود است. قسمت پایین مفقود شده است. رنگ سطح و قسمت وسط سفید مایل به 2.5Y 8/2. بیشینه بلندی، ۷/۳۲ سانتیمتر، پهنا، ۴/۳۴ سانتیمتر.

(در اینجا، تصویر ۹) Loftus and Churchill n.d.: pl. 26, no. 7

Van Buren 1930: p. 213, n.1034, pl. LV. fig. 265: Opificius 1961: p. 128. no. 452. (not illustrated).

پیکرک یک ایزدمرد

57. 56-9-3, 1419 (pl. 16c).

قسمت بالای لوح گلی ایزدمردی ریش‌دار را نشان می‌دهد که دستاری شاخ مانند بر سر دارد. او گرز و شمشیری نیز در دست دارد. این ایزد، معمولاً با نام نرگال (Nergal) شناخته می‌شود.

(Black and Green 1992: p. 136, and fig. 112)

این ایزد، متعلق به ایسین-لارسا (Isin-Larsa) یا بابل قدیم است.

رنگ سطح، زرد روشن مایل به $5Y 8/3$ ، قسمت وسط $2.5Y 7/2$

بیشینه بلندی، $8/8$ سانتیمتر، بیشینه پهنا $7/5$ سانتیمتر و ضخامت 3 سانتیمتر

لافتوس در روایت خود از حفاری‌های شوش، به این لوح منقوش سفالین اشاره‌ای نکرده و در نقاشی‌های مرتبط با حفاری‌های شوش نیز اثری از آن دیده نشده است. همچنین در بین تعداد زیادی از پیکرک‌های گلی که در جریان کاوش‌های فرانسوی‌ها در شوش به دست آمده نیز ظاهراً از این گونه ذکری به میان نیامده است. (Spycket 1992) از سوی دیگر این گونه پیکرک‌ها در مناطق بین‌النهرین مانند اور به شمار زیاد یافت می‌شوند. (Woolley and Mallowna 1976: pls. 74-75) بنابراین، باید احتمال انتساب نادرست در دفتر ثبت موزه بریتانیا را در نظر گرفت؛ اگرچه ممکن است چنین لوحی در شوش یافت شده بوده باشد.

پیکرک‌های گاوهای نرکوهان‌دار

58. 53-12-19, 48 (pl. 16d)

پیکرک سفالین گاوهای نرکوهان‌دار با شاخ‌های هلالی شکل، سوراخ‌های بینی و دُمی کوتاه که لابلای پاها قرار گرفته است.

رنگ سطح، سفید مایل به $2.5Y 8/2$ ، ولی قسمت وسط آن واضح نیست.

طول $9/4$ سانتیمتر، بلندی $8/9$ سانتیمتر.

Loftus and Churchill n.d.: pl. 26, no. 9 (در اینجا، تصویر ۹)

59. 53-12-19, 49 (pl. 16d)

پیکرکی دیگر مشابه با این پیکرک سفالین که دارای یک پا بوده و یکی از شاخ‌هایش مفقود شده است.

رنگ سطح، زرد کم‌رنگ مایل به 2.5Y 8/2 و قسمت وسط زرد کم‌رنگ مایل به 2.5Y 8/3
طول ۹.۶۵ سانتیمتر و ارتفاع ۸.۴۵ سانتیمتر.

مخروط کتیبه‌نوشت

60. 53-12-19, 57/91153(pl. 17a)
مخروط گلی توخالی، قسمت پایین دستگیره آن مفقود شده. دارای کتیبه‌ای به خط اکدی از پوزور اینشوشیناک. سر محدب شکل مخروط پراز سوراخ‌هایی بزرگ و معمولی در قسمت بالا است.
طول ۱۰.۹ سانتیمتر و بیشینه قطر ۱۰.۲۸ سانتیمتر.

Susa Drawings: pl. 17, no.8(here pl. 8);Smith 1872: p. 32, no. 1; Winkler 1889: p. 157, no. 8 ; Thureau-Danging 1907: p. 176, note; Boehmer 1966: p. 355 , note 1,pl. LIII.no. 18a-b.

اشیاء گلی گوناگون

61. 56-9-3, 1414(fig. 5)
یک لوح گرد سفالی، از یک طرف مسطح و سمت دیگر محدب با طراحی ۱۴ روبان تزئینی که روی سطح صاف نصب شده‌اند. در مرکز سطح محدب، سوراخ کم‌عمقی وجود دارد.
رنگ سطح، خاکستری روشن مایل به 10YR 7/2.
بیشینه اندازه قطر ۵.۲۳ سانتیمتر و ضخامت ۱.۳۷ سانتیمتر.

62. 53-12-19, 59.

در دفتر ثبت موزه بریتانیا، به عنوان یک شی استوانه‌ای ثبت شده است. اندازه قطر ۱.۸ سانتیمتر با یک سوراخ گرد که دور آن را پنج سوراخ زاویه‌دار روی یکی از سطوح مسطح قرار گرفته است. در حال حاضر، موجود نیست.

Susa Drawings: pl. 17, no. 7 (here , pl. 8).

ج) شیشه و بدل شیشه

63. 53-12-19, 15/91566;

به بخش آثار عتیقه شرقی موزه بریتانیا منتقل شده است.

1968-5-22, 10(pl. 17b, fig. 6)

کاسه شیشه‌ای و تخت با قاعده‌ای اندکی گود، لبه‌های پخ و دارای دو دسته حلقه افقی در طرفین. قسمت کوچکی از بخش جانبی و لبه موجود نیست. رنگ: سبز روشن بیشینه اندازه قطر ۱۰.۹۵ سانتیمتر و ارتفاع ۳.۲ سانتیمتر.

64. 53-12-19/91484;

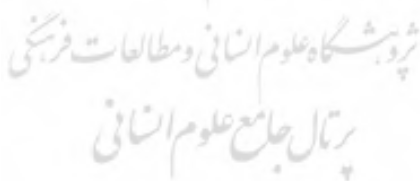
در حال حاضر به بخش اشیاء عتیقه شرقی منتقل شده است، با این نشانی 1978-10-

10.2(pl. 17b, fig. 6)

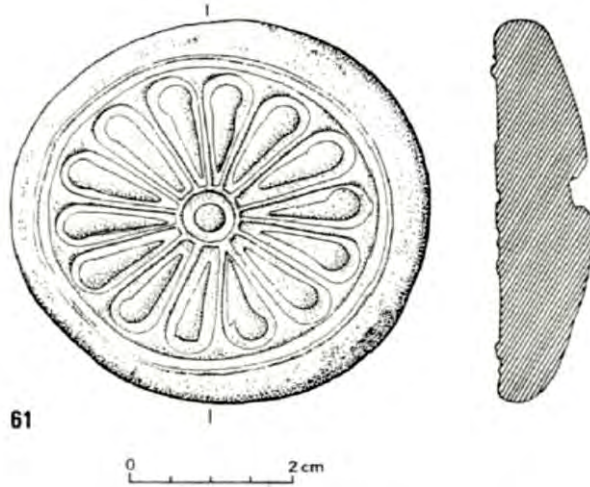
یک کوزه شیشه‌ای کروی با کف صاف و گردن و دهانه باریک است. اطراف شانه، یک نوار باریک وجود دارد و روی بدنه لبه، طرح دایره‌ای شکلی قرار دارد. وضعیت ظاهری: تماما سالم^۱.

رنگ: قهوه‌ای مایل به سبز و دارای سطحی با خال‌های روشن. بیشینه بلندی ۷.۱۵ سانتیمتر و بیشینه قطر ۶.۲۸ سانتیمتر.

Susa Drawings: pl. 13, no. 2 (here pl. 10a).



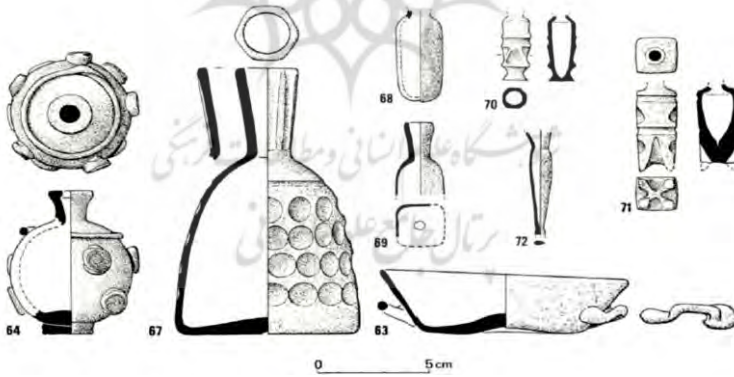
۱. یک کوزه بسیار مشابه دیگر در بخش اشیاء عتیقه شرقی وجود دارد که شماره مشخصات آن چنین است 91485/OA 1978-10-10.1. این کوزه قبلا در واحد اشیاء باستانی شرق نگهداری می‌شد و در سال ۱۹۷۸ انتقال یافت. امکان ردیابی دقیق چگونگی ثبت دقیق آن وجود ندارد و به همین دلیل درباره محل دقیق نگهداری آن اطلاعات موثقی در دست نیست. می‌توان گمانه‌زنی کرد که متعلق به شوش بوده است، اما با قطعیت نمی‌توان گفت.



61

0 2 cm

نگاره ۵: گردک گلین (نقاشی از خانم آن سیرایت).



نگاره ۶: انواع ظروف شیشه‌ای (نقاشی‌ها از خانم آن سیرایت).

این شی در دفتر ثبت موزه بریتانیا به عنوان «بطری شیشه‌ای شکسته شده با دهانه پهن و سه دستگیره» ثبت شده است. وضعیت: موجود نیست.

Presumably Susa Drawings: pl. 13, no. 3 (here, pl. 10a).

66. 53-12-19, 20.

این شی در دفتر ثبت موزه بریتانیا، با عنوان "بطری شیشه‌ای شکسته شده با دهانه پهن" ثبت شده است. وضعیت: موجود نیست.

Presumably Susa Drawings: pl. 13, no. 5(here, pl. 10a).

67. 53-12-19.11/91466; 1968-5-22,18(pl. 17b,fig. 6).
به واحد اشیاء عتیقه شرقی منتقل شده است

سبوی شیشه‌ای با بدنه‌ای زنگوله‌ای شکل. کفی صاف، بلند و گردنه قیفی شکل با طرح‌هایی شش ضلعی روی بدنه. شیاری در اطراف بدنه و چهار ردیف تراش دایره‌ای روی بدنه به چشم می‌خورد. رنگ: سبز روشن.
بلندی: ۱۳.۲۵ سانتیمتر. بیشینه قطر ۸.۱۵ سانتیمتر.

Susa Drawings: pl. 13, no. 1(here, pl. 10a).

68. 53-12-19, 18 ; 1968-5-22.28(pl. 17b,fig.6).
به واحد اشیاء عتیقه شرقی منتقل شده است

بطری استوانه‌ای کوچک اما لبه آن لب‌پیر شده است. رنگ: سبز روشن و سطحی خراشیده شده.

بلندی ۴/۵۵ سانتیمتر و قطر: ۲.۰۷ سانتیمتر.

Susa Drawings: pl. 17, no. 15(here, pl. 8).

69. 53-12-19, 17; 1968-5-22,34(pl. 17b, fig. 6).
به واحد اشیاء عتیقه شرقی منتقل شده است

فقط دهنه و قسمت بالای یک سبوی شیشه‌ای با بدنه‌ای مستقیم و چهارگوش. رنگ: سبز روشن

بلندی ۳.۷۵ سانتیمتر و بیشینه قطر ۲.۳ سانتیمتر.

Susa Drawings: pl. 17, no. 5(here, pl. 8).

70. 53-12-19, 16/93028; در سال به واحد اشیاء عتیقه شرقی منتقل شده است (pl. 17b, fig. 6). ۱۹۲۷

سبوی شیشه‌ای کوچک که روی یک پایه سوار است. دارای طراحی راه‌راهی و طرح‌هایی مثلثی در طرفین؛ دهانه این شی لب‌پیر شده است. رنگ: سبز روشن. بلندی فعلی ۳.۳۳ سانتیمتر و بیشینه قطر ۱.۳ سانتیمتر.

Susa Drawings: pl. 17, no. 6(here, pl. 8).

71. 53-12-19,14/91507; در سال ۱۹۲۷، به واحد اشیاء عتیقه شرقی منتقل شده (pl. 17b, fig. 6) است

قمقمه یکپارچه شیشه‌ای، دارای چهار پایه شکسته شده و دهانه لب‌پیر شده. رنگ: سبز روشن.

بیشینه بلندی: ۴.۲۵ سانتیمتر و ضخامت ۱.۸۳ سانتیمتر.

Susa Drawings: pl. 17, no. 1(here, pl. 8).

72. 53-12-19, 13; 1968-5-22,29(fig. 6). به واحد اشیاء عتیقه شرقی منتقل شده است

تنه شیشه‌ای توخالی یا احتمالاً یک جام اما قسمت بالا و پایین این شی شکسته است. رنگ: رنگ خاصی ندارد.

بیشینه بلندی: ۵.۱۲ سانتیمتر و بیشینه قطر ۱ سانتیمتر.

Susa Drawings: pl. 17, no. 10(here, pl. 8).

73. 53-12-19, 58(pl. 18a, fig. 7).

آویز بدل چینی به شکل علامت آنخ مصری، با سوراخ کوچکی در قسمت بالا برای آویزان کردن.

بلندی: ۳.۶۳ سانتیمتر و پهنا ۱.۶۲ سانتیمتر.

Susa Drawings: pl. 17, no. 9 (here, pl. 8).

74. 56-9-3.223/117981 (pl. 8).

قالب بدل از جنسی چینی مانند به شکل گاو نر (؟) بالدار که بینی آن از بین رفته است. قسمت پشتی آن شکسته شده اما در بقایای آن یک سوراخ دایره‌ای کم‌عمق وجود دارد.

بلندی: ۱۲.۵ سانتیمتر و پهنا ۶.۷ سانتیمتر.

Hall 1928a: p. 50; Smith 1928: pl. XIVc ; Van Buren 1930: p. 189, no. 947.

این سر در موزه بریتانیا، به عنوان یک شی متعلق به ورکا/ورقاء ثبت شده ولی شناسایی آن به موری نسبت داده شده است. (Moorey 1985: p. 175) این گمانه‌زنی درباره شوش قطعاً نادرست است. قابل مقایسه با دیگر اشیاء مشابه به دست آمده از کاوش‌های فرانسویان در شوش (Amiet 1966: figs. 381-2 ; Amiet 1967: Harper,) (Aruz and Tallon 1992: no. 148) که گمان می‌رود آرایه‌های تزئینی ساختمانی باشند؛ این اشیا به دوران تاریخ ایلام- نو تعلق دارند.

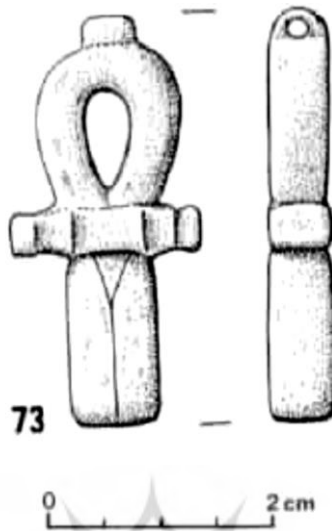
75. 56-9-3,221/91916(pl. 18c).

نقاب از جنسی چینی مانند که قسمتی از سر یک انسان را نشان می‌دهد. رگه‌های زرد رنگی روی مو، چشم‌ها و ابروان به چشم می‌خورد. سطح پشت، صاف و مقعر است اما اینکه این اثر اصلی است یا نه مشخص نیست.

بلندی: ۸.۹ سانتیمتر، و پهنا ۵/۲۵ سانتیمتر. ضخامت ۲/۷۲ سانتیمتر.

Hall 1928b:p. 68. Fig. 3; Smith 1928: pl. XXII d.

مانند تصویر شماره 74 بالا، منشأ اصلی این سر شهر ورکا است و بر این مبنا نیز ثبت شده است؛ اما در این مورد نیز موری (Moorey 1985:p. 175) برعکس آن را از شهر شوش می‌داند. در کاوش‌های فرانسوی‌ها، تعدادی سر انسان با همین اندازه‌ها از دوره ایلامی جدید یافت شده است.



نگاره ۷: حرز ساخته شده از جنس بدل چینی (نقاشی از خانم آن سیرایت).

د. اشیاء استخوان ساخت

76. 53-12-19,60 (pl. 18d).

قسمت بالای پیکره‌ای از جنس استخوان .
بیشینه بلندی ۳/۷۵ سانتیمتر، پهنا ۱/۷۵ سانتیمتر.

8). Susa Drawings: pl. 17, no. 16(here, pl.

ز. اشیاء سنگ ساخت

تندیسک

77. 53-12-19, 4-5(pl. 8).

دو قطعه تندیسک آهکی/رخامی از یک زن در لباس یونانی وجود دارد. او ردایی با یقه باز را زیر تن پوش خود که روی شانه چپش افتاده است بر تن دارد. بخش جلویی سینه با روبان و گل لباس مزین شده است.

سینه: بلندی: ۵/۶ سانتیمتر، عرض: ۹/۸۷ سانتیمتر، ضخامت: ۴/۴ سانتیمتر
پایه: بلندی: ۵/۸ سانتیمتر، عرض: ۹/۴ سانتیمتر، ضخامت: ۶/۴ سانتیمتر.

Susa Drawings: pl. 19 (here, pl. 11a).

ر. قطعات باقی‌مانده گلدان‌های مرمری

78. 53-12-19,6/91459 (pl. 19a).

یک قسمت از دیواره یک گلدان مرمری/رخامی با لبه‌های پخ و آویزه‌ای پایین دستگیره (کف گلدان موجود نیست) و دارای کتیبه‌ای با نام خشایار شاه به خط فارسی قدیم، ایلامی و میخی بابلی.

بلندی: ۱۵/۸ سانتیمتر. پهنا: ۱۰/۶۵ سانتیمتر.

79. 53-12-19, 7/91453(pl. 19a).

قطعات یک گلدان مشابه.

بلندی: ۹/۱ سانتیمتر، پهنا: ۴/۳۵ سانتیمتر.

Susa Drawings: pl. 17, پایین سمت راست (here, pl. 11b).

80. 53-12-19,8/91454(pl. 19a).

یک گلدان مشابه دیگر.

بلندی: ۹/۱ سانتیمتر، پهنا: ۴/۶ سانتیمتر.

Susa Drawings: pl. 17, پایین سمت چپ (here, pl. 11b).

81. 53-12-19,9/91455(pl. 19a).

یک گلدان مشابه دیگر.

بلندی: ۷/۱ سانتیمتر، پهنا: ۴/۲ سانتیمتر.

Susa Drawings: pl. 17, بالا سمت راست (here, pl. 11b).

82. 53-12-19.10/91456(pl. 19a).

یک گلدان مشابه دیگر، با این تفاوت که در این مورد نام خشایار شاه به زبان مصری باستان بر روی آن حک شده است.

بلندی: ۶/۵۵ سانتیمتر، پهنا: ۲/۴۵ سانتیمتر.

Susa Drawings: pl. 17, بالا سمت چپ (here, pl. 11b).

ز. الواح سنگی کتیبه‌نوشت

83. 53-12-19.77/115037

تکه پاره یک تخته سنگ با کتیبه‌ای ۱۷ خطی در مورد شیلهاک اینشوشیناک اول (از پادشاهان ایلامی در دوره شهر نشینی ایلامیان) که یک درگیری نظامی در بابل را توصیف می‌کنند.

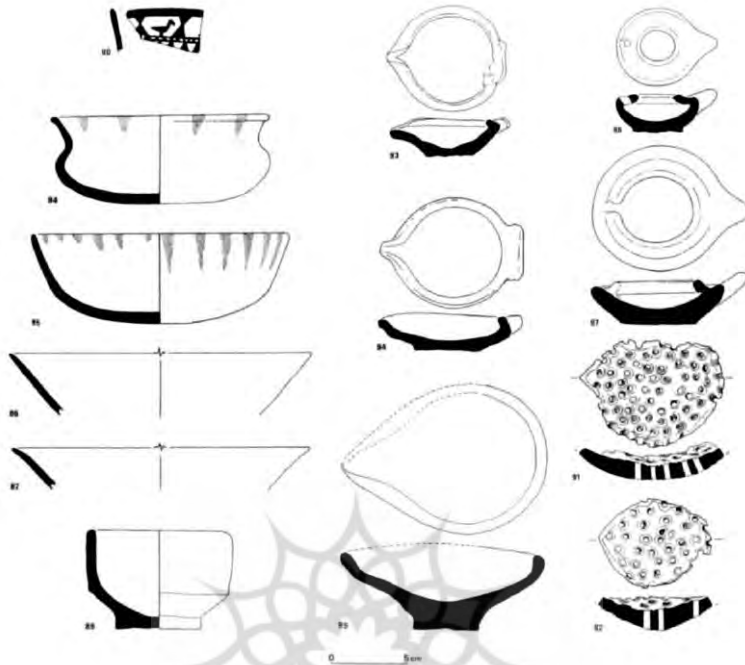
با اندازه: ۳۳ در ۴۵ سانتیمتر، ضخامت: ۱۱ سانتیمتر.

Loftus 1859:pl. 15; Konig 1965: pp. 18,133-5, no. 55; Walker 1980: p. 79.

س. ظروف سفالی

84. 56-9-3, 1415/92111(fig. 8).

ظرف زورقی با لبه برگشته و لعاب سبز رنگی که در سطح داخلی و خارجی آن دیده می‌شود. همچنین با نوارهای عمودی زرد رنگی که در فواصل منظمی در دو طرف لبه‌ها به کار رفته‌اند. ظرف در مجموع سالم باقی مانده است.



نگاره ۸: ظروف و پیه‌سوزهای سفالی (نقاشی‌ها از خانم آن سیرایت).

به رنگ قهوه‌ای بسیار روشن مایل به 10YR 7/3.

قطر: ۱۴/۹ سانتیمتر، بلندی: ۶/۳۵ سانتیمتر.

85. 56-9-3, 1416

ظرف با لبه‌های برگشته و لعاب سبز رنگی (بین سبز روشن و سفید مرواریدی) که در سطوح داخلی و خارجی آن دیده می‌شود و نوارهای عمودی زرد رنگی که در فواصل منظم در دو طرف آن به کار رفته است. قطعات باقی‌مانده به هم چسبیده‌اند، اما برخی

اجزا مفقود شده‌اند. زرد کمرنگ مایل به 2.5 Y7/4 .

قطر: ۱۷/۱۵ سانتیمتر، بلندی: ۶/۶ سانتیمتر.

86. 56-9-3, 1421/91561: به بخش اشیاء عتیقه شرقی منتقل شده است

1968-5-22,47

تکه‌ای از بدنهٔ یک کاسه با لعاب سبز رنگی در سطوح داخلی و خارجی آن و تزیین‌های سیاه رنگی در بخش داخلی ظرف. زرد کمرنگ مایل به 5Y 8/3.

اندازه: ۶/۲ در ۶/۲ سانتیمتر.

87. 56-9-3, 1423/91562: به بخش اشیاء عتیقهٔ شرقی منتقل شده است: 22,48

تکه ای از بدنه یک کاسه، دارای پوشش لعابی سطوح داخلی و خارجی که سایه روشنی از رنگ سبز و سفید مرواریدی دارند. زرد کمرنگ مایل به 5Y 8/3.

اندازه: ۴/۲ سانتیمتر در ۴ سانتیمتر.

88. 56-9-3, 1422

تکه‌ای از یک کاسه، مانند ظرف توصیف شده در شمارهٔ 56-9-3.1423 توصیف شده است. این ظرف یافت نشد.

اندازه: طول: تقریباً ۶ سانتیمتر.

89. 53-12-19.56/92084(pl. 8).

یک کاسه دارای بدنهٔ صاف و پایه‌دار، با پوشش لعاب زرد رنگ در سطوح داخلی و خارجی و نیز لکه‌های نامنظم لعاب قهوه‌ای تیره مایل به سیاه. این ظرف در مجموع کامل بوده اما تراشه‌ای از لبهٔ کنار از بین رفته است. صورتی کمرنگ مایل به 7.5 YR.

قطر: ۹/۸۵ سانتیمتر، بلندی: ۷/۲۵ سانتیمتر.

90. 53-12-19.54/92981(fig. 8).

لبهٔ یک ظرف نگارگری شده با طراحی‌های پرند و مثلث‌های تو در تو. نگارگری به رنگ قهوه‌ای تیره یا سیاه مایل به 5Y...7/3 زرد کمرنگ (یعنی نزدیک به رنگ سبز روشن) انجام شده است.

بیشینهٔ اندازه: ۵/۲۳ سانتیمتر در ۳/۲۲ سانتیمتر.

ضخامت: ۰/۴۵ سانتیمتر.

Susa Drawings: pl. 17, no. 14 (here, pl. 8).

91. 56-9-3.1417/12205 (fig. 8).

قطعه باقی‌مانده از کف یک ظرف آبکش که سوراخ سوراخ شده است.

قهوه‌ای خیلی کمرنگ، مایل به 10YR 3/7.

بیشینه اندازه: ۹/۷ سانتیمتر در ۸/۰۵ سانتیمتر.

ضخامت: ۱/۲۵ سانتیمتر.

92. 56-9-3.1418 (fig. 8)

قطعه‌ای از بخش زیرین یک ظرف آبکش دیگر. رنگ صورتی مایل به 5YR 7/4.

بیشینه اندازه: ۷/۶۵ در ۶/۷ سانتیمتر. ضخامت: ۱/۶ سانتیمتر.

93. 53-12-19.53/92089 (fig. 8)

چراغ پیه‌سوز نعلبکی شکل با دهانه باریک و دسته‌ای لبه‌دار که لعابی سبز رنگ به خوبی روی سطوح داخلی و خارجی آن باقی‌مانده است. کاملاً سالم. قهوه‌ای بسیار کمرنگ مایل به 10YR 8/4.

بیشینه پهنا: ۸/۰۵ سانتیمتر، بلندی: ۲/۸۵ سانتیمتر.

94. 53-12-19.52/122068 (fig.8)

چراغ پیه‌سوز نعلبکی شکل با دهانه باریک و دسته‌ای لبه‌دار گونه و بقایایی از لعابی سبز رنگ بر سطوح داخلی و خارجی آن. کاملاً دست‌نخورده. قهوه‌ای بسیار کمرنگ مایل به 10YR 8/4.

Susa Drawings: pl. 17, no. 11 (here, pl. 8).

95. 56-9-3.1440/92083 (fig. 8)

چراغ پیه‌سوز کاسه‌مانند؛ با دهانه‌ای باریک و پایه‌دار. بقایای لعابی سبز رنگ تنها بر بخش بالایی و درونی حاشیه آن. بخشی از بدنه از بین رفته است. صورتی رنگ مایل به 7.5YR 8/4.

بیشینه پهنای: ۱۳/۵ سانتیمتر، بلندی: ۶/۵ سانتیمتر.

96. 53-12-1951/92966 (fig. 8)

یک چراغ پیه‌سوز کوچک پهن؛ حاشیه آن لبه‌دار و دسته حلقه‌ای. حفره فتیله در حاشیه و در امتداد دسته قرار گرفته است. بدون لعاب. کاملاً دست‌نخورده. سفید رنگ مایل به 2.5Y 8/2.

بیشینه پهنای: ۶/۷۵ سانتیمتر، بلندی: ۲/۶۸ سانتیمتر.

97. 53-12-19.50/122044 (fig. 8)

چراغ پیه‌سوز با حاشیه‌ای که به صورت معکوس لبه‌دار شده و بخش مرکزی آن برجسته و دارای دسته‌ای حلقه‌ای است. حفره فتیله در امتداد دسته قرار دارد. بدون لعاب. کاملاً دست‌خورده؛ به جز بخش کوچکی از بدنه در نزدیکی حفره فتیله که از میان رفته است. رنگ سفید مایل به 2.5Y 8/2.

بیشینه پهنای: ۱۰/۴۵ سانتیمتر، بلندی: ۳/۲ سانتیمتر.

Susa Drawings: pl. 17, no. 13 (here, pl. 8).

98. 53-12-19.55/118002 (pl. 19b)

تکه‌ای سفال شکسته به شکل بدنه یک ظرف، سفال بزرگ با کتیبه‌ای به قلم سیاه رنگ به زبان پهلوی. صورتی مایل به 5YR 7/4.

De Menasce 1957: pl. IX, no. 191.

ش. انواع آجر

آجرهای کتیبه‌نگاشت

در موزه بریتانیا حدود ۶۵ آجر کتیبه‌نگاشت از شوش وجود دارد. (Walker 1981:nos.) 193,196-200,202-3,205-7,212) بسیاری از آنها احتمالاً در اثر کاوش‌های لافتوس

پیدا شده‌اند، اما مشخص نیست کدام یک از آن‌ها. این بدان دلیل است که آجرها در زمان ورود به موزه ثبت نشده‌اند. لافتوس خود نسخه‌هایی از تصاویر پنج آجر مختلف را منتشر کرد که مربوط به دوران سلطنت اونتاش ناپیریشا، شوتروک ناهونته اول و شیلهاک - اینشوشیناک بوده‌اند.

Loftus 1859: pls. 8-12=Konig 1965: nos. 18,13 32,10a and 30,

به همین ترتیب که ذکر شد .

آجرهای لعاب‌دار ایلامی

99. 53-12-19.78/90469

قطعه‌ای آجری از جنس لعاب با کتیبه‌ای از شاه شیلهاک اینشوشیناک اول در یک سمت.

این آجر، مشابه آجر موصوف این منبع است: Konig 1965:no. 40.
اندازه: ۱۲/۹ در ۹/۳ در ۹/۱ سانتیمتر.

Loftus 1859: pl. 19, پایین سمت راست, Walker 1980: p. 79 .

100. 53-12-1979/90605

قطعه آجری دیگر با کتیبه‌هایی بر سه طرف آن.
اندازه: ۱۴/۷ در ۹/۷ سانتیمتر.

Loftus 1859: pl. 19, پایین سمت راست, Walker 1980: p. 79 .

101. 53-12-19.80

قطعه آجری دیگر با کتیبه‌هایی بر سه طرف آن.
اندازه: ۱۰/۴ در ۱۰/۲ در ۹/۲۵ سانتیمتر.

Loftus 1859: pl. 19, سمت چپ, Walker 1980: p. 79.

102. 53-12-19.81

قطعه آجری دیگر با کتیبه‌هایی بر سه طرف آن.
اندازه: ۹/۴ در ۹/۲ در ۵/۶ سانتیمتر.

Loftus 1859: pl. 19, وسط، قسمت بالا ; Walker 1980: p. 79.

103. 53-12-19.82

قطعه‌ای آجری از جنس لعاب با کتیبه‌ای از شاه هلو تاش اینشوشیناک دوم در یک سمت. این آجر مشابه آجر موصوف در این منبع است: Konig 1965: no. 77.
اندازه: ۹/۴ در ۴/۹ در ۳/۱ سانتیمتر.

Loftus 1859: pl. 19. سمت راست. Waker 1980: p. 79.

آجرهای لعاب‌دار هخامنشی

در دفتر ثبت شده موزه بریتانیا، ۴ تکه آجر لعاب‌دار را به شوش نسبت داده‌اند. (56-1413-1410-3-9) متمایزترین این آجرها، آجر شماره ۱۴۱۰ است. روی سطح این آجر، سه خط نوشته وجود دارد که (Walker 1980: p. 79) آن را متعلق به دوره ایلام متاخر دانسته است. اما شکل علامات آشوری (و با احتمال کمتری) بابلی به نظر می‌رسد، (W.G. Lambert) در نتیجه محتمل‌تر است که این آجر خاستگاهی آشوری همچون نینوا داشته باشد. سه آجر دیگر، خصوصیات متمایز آجرهای هخامنشی را ندارند و به احتمال زیاد بابلی هستند. روش تشخیص آجرهای لعاب‌دار هخامنشی از آجرهای بابلی و آشوری به این ترتیب است که بدنه آجر هخامنشی جنس «کوارتز بسیار ناصاف، زبر و رنگارنگ» است در حالی که بدنه آجرهای بابلی از «کاه‌گل پخته شده» است و همچنین لعاب‌های آجر هخامنشی «بین دو تیغه برجسته سیاه قرار دارند» در حالی که این تیغه در آجرهای بابلی و آشوری سفید است. (Dayton 1978: pp. 382-3, pl. 27)

لافتوس نیز آجرهای لعاب‌دار شوش را «ملاطی قالب‌گیری شده» خوانده است. (Loftus 1857: p. 396) با استفاده از این معیارها بود که گلچین کردن ۴ تکه از بقایای آجرهای لعاب‌دار هخامنشی - که خاستگاه هیچکدام به درستی شناسایی نشده بودند- امکان‌پذیر گردید. از این آجرها، شماره‌های ۱۰۴ و ۱۰۵ مطمئناً متعلق به کاوش‌های لافتوس در شوش هستند چرا که نشانه‌های معمول آن زمان که در جدول لافتوس رسم شده را دارند. (تصویر ۳) شماره ۱۰۶ که طرح رُز مینیاتوری بر روی آن است به احتمال خیلی زیاد از شوش است چرا که لافتوس در کار خود به این نقش هم اشاره کرده است. (Loftus 1857: p. 396) با این حساب، تکه آجر نوشته‌دار ۱۰۷ باقی می‌ماند. این آجر قطعاً هخامنشی است، اما برخلاف سه تکه دیگر که رنگ‌ها با خطوط سیاه برآمده از هم جدا شده‌اند، نوشته‌های این آجر با رنگ قهوه‌ای روشنی که برجسته نیست متمایز شده‌اند. با این وجود خاستگاه احتمالی این آجر باز هم تمدن شوش معرفی می‌شود. در حال حاضر، موزه بریتانیا نیز با این فرض که این چهار تکه آجر خاستگاه شوشی دارند، آن‌ها را تاریخ‌گذاری کرده است.

104. 53-12-19.87(pl. 20a)

یک آجر از جنس لعابی. نواری زرد رنگ در قسمت بالا و مثلثی سفید در پس زمینه‌ای از رنگ سبز روشن که زیر آن دیده می‌شود. مقایسه کنید با (Amiet 1988: fig. 80) در بخش بالایی آجر، نشان‌های ویژه نصاب/بتّا به خوبی دیده می‌شوند. (همانند نشان‌های رسم شده در تصویر ۳، بالا، سمت راست)

بلندی: ۸/۶ سانتیمتر. عرض ۲۰/۸ سانتیمتر. پهنا: ۱۹/۹ سانتیمتر و عمق: ۱۹/۹ سانتیمتر.

105. 5312-19.88/92179 (pl. 20b)

یک آجر از جنس لعاب که بخشی از یک گوی بالدار را نشان می‌دهد. پره‌های گوی به رنگ آبی فیروزه‌ای و زرد در پشت زمینه‌ای سفید رنگ قرار گرفته و نواری پهن به رنگ آبی فیروزه‌ای در بالای آن‌ها به چشم می‌خورد. (مقایسه شود با Harper et al. 1992: no.

157) نشان‌های کنده‌کاری شده و رنگی بخش بالایی آجر، مشابه تصویر ۳ (سمت راست، ردیف دوم از پایین، ستون‌های ۱-۲) است.
 بلندی: ۸/۶ سانتیمتر، پهنا: ۲۰/۴۵ سانتیمتر و عمق: ۱۹/۳ سانتیمتر.
 توضیحات بیشتر در Budge 1922: p. 170.

106. 53-12-19.90/122096 (pl. 20c)

گوشه‌ای از یک آجر از جنس لعابی؛ که یک گل سرخ با گلبرگ‌های آبی فیروزه‌ای و مرکزی زرد رنگ را به نمایش گذاشته است. دارای حاشیه‌هایی سفید رنگ و افقی در بالا و پایین آن. (مقایسه شود با Harper *et al.* 1992: no. 159)
 هیچ اثری از نام نصاب/بنا روی اثر دیده نمی‌شود.

بلندی: ۱۳ سانتیمتر، بیشینه پهنا: ۱۴/۳ سانتیمتر و عمق: ۱۳ سانتیمتر.

107. 53-12-19.90/122096 (pl20d)

بخشی از یک آجر از جنس لعابی؛ با نشانه‌های خط میخی به رنگ سفید روی پیش زمینه‌ای به رنگ آبی فیروزه‌ای همراه با یک نوار سفید رنگ افقی در بالا. نشانه‌ها؛ بخشی از یک کتیبه قدیمی پارسی هستند که -a-a-ma خوانده می‌شوند. هیچ اثری از نام نصاب/بنا روی اثر دیده نمی‌شود.

بلندی: ۸/۸ سانتیمتر، پهنا: ۱۷/۵ سانتیمتر و عمق: ۷/۹۵ سانتیمتر.

منابع و مآخذ:

- Amiet. P., 1996. *Elam*. Auvers-sur-Oise.
- Amiet. P., 1996. "Elements emailles du decor architectural neo-Elamite", *Syria XLIV: 27.46*.
- Amiet. P., 1998. *Suse: 6000 ans d'histoire*. Paris.
- Barnett. R. D.. 1976. *Sculptures from the north palace of Ashurbanipal at Nineveh (668-627 B.C.)*. London.
- Black. J. and Green. A.R., 1992. *Gods, Demons and Symbols of Ancient Mesopotamia: an Illustrated Dictionary*. London
- Boehmer. T.M. . 1996. "Die Datierung des Puzur/Kutir-Insusinak und einige sich daraus ergebende Konsequenzen". *Orientalia N.S. 35: 345-376*.

- Budge. E.A.W. 1922 (ed). *A Guide to the Babylonian and Assyrian Antiquities (in the British Museum)* .3rd edition. London.
- Calmeyer. P., 1973. "Zur Genese altiranischer Motive". *Archaologische Mitteilungen aus Iran* 6: 135-152.
- Collon. D., and Kilmer. A.D., 1980. "The lute in Ancient Mesopotamia", *British Museum Yearbook* 4:13-28.
- Curtis. J.E., 1979. "Loftus' Parthian cemetery at Warka", *Actes du VII^e Internationalen Kongresses für Iranische Kunst und Archologie*, München, 7/10, September 1976, Berlin: 309-317.
- Curtis, J. E., 1990. *Ancient Persia*. London.
- Curtis. J.E., 1992. "Recent British Museum Excavations in Assyria", *Journal of the Royal Asiatic Society*, 3rd series, vol. 2: 147-165.
- Curzon, G.N., 1892. *Persia and the Persian Question*. 2 vols. . London.
- Dayton, J., 1978. *Minerals, glazing and man*. London.
- de Mecquenem, R.. 1980, "Les fouilleurs de suse", *Iranica Antiqua* XV: 1-48.
- de Menasce, J. (ed.). 1957. *Corpus Inscriptionum Iranicarum vol. 4, part 3: Pahlavi inscriptions*, London.
- DNB 61 = *Dictionary of National Biography vol. 61* (London 1990).
- Ghirshman, R. . 1968, "La deese nue elamite". *Archaologische Mitteilungen aus Iran. New series* I: 11-13.
- Hall., H.R.. 1928a. *Babylonian an Assyrian Sculpture in the British Museum*. Paris and Brussels.
- Hall., H.R. . 1928b. "Minoan faience in Mesopotamia". *Journal of Hellenic Studies* 48: 64-74.
- Harbottle, S. T. L.. 1973. "W.K. Loftus: an archaeologist from Newcastle", *Archaeologia Aeliana (5th series)* I: 195-217.
- Harper. P.O., Aruz. J., and Tallon, F. (eds.), 1992. The royal city of Susa: *Ancient near Eastern treasures in the Louvre*. New York.
- Hill. G.F. 1922. *Catalogue of the Greek coins of Arabia, Mesopotamia and Persia*, London.
- Kent, R. G., 1950. *Old Persian: Grammar, texts, lexicon*. New Haven: Connecticut.
- Ker Porter, R., 1821-22. *Travels in Georgia, Persia, Armenia, Ancient Babylonia, etc.* 2 vols. London.
- Kong, F.W., 1965, *Die elamischen Königsinschriften, Archiv für Orientforschung, Beiheft 16, Graz*.

- Lamm. C.J., 1931. "Les verres trouves a Suse". *Syria 12: 358-367*.
- Layard, A.H. , 1887. *Early adventures in Persia , Susiana and Babylonia,2 vols.* London.
- Loftus , W.K., 1956-57. "On the excavations undertaken at the ruins of Susa in 1851-2". *Transactions of the Royal Society of Literature (2nd series): 422-453*.
- Loftus. W.K., 1857. *Travels and Researches in Chaldea and Susiana*. London.
- Loftus. W.K., 1859. *Lithographic Facsimiles of inscriptions in the cuneiform character from the ruins of Susa*. London (?). These facsimiles are printed copies but it is unclear whether they were actually issued as a book : they may have been printed for private distribution. The bound copy in the British Library is lacking any title-page, but is stamped 4 October 1859. R. Borger (*Handbuch der Keilschriftliteratur I, p.317*) gives a publication date of 1852, but he notes that he has not seen a copy.
- Loftus. W.K. . and Churchill. H.A. .n.d. *Drawings in Babylonia* . Volume of original drawings in Department of Western Asiatic Antiquities . British Musuem .
- Moorey, P. R. S., 1985. *Materials and manufacture in ancient Mesopotamia. metals and metalwork ,glazed materials and glass. BAR S237*. Oxford.
- Negahban. E.O., 1991. *Excavations at Haft Tepe, Iran*. University Museum Monograph 70. Philadelphia.
- Opifictus.R.. 1961. *Das Albabylonische Terrakottarelief* . Berlin.
- Rawlinson, H.C., 1850. "On the inscriptions of Assyria and Babylonia". *Journal of the Royal Asiatic Society 12: 401-83*.
- Rimmer, J., 1969. *Ancient musical instruments of Western Asia in the British Museum*. London.
- Safar. F. and Mustafa. M.A., 1974. *Hatra: the city of the Sun God, Baghdad*.
- Seltman. C.T., 1927. *The Cambridge ancient history: volume of Plates I*. Cambridge.
- Smith. G., 1872."Early history of Babylonia". *Transactions of the Society of Biblical Archaeology I: 28-92*.
- Smith. S.. 1928. *Early History of Assyria*. London.
- Spycket. A., 1992, *Les Figurines de Suse*. Memoires de la Delegation Archeologique en Iran 52. Paris.
- Susa Drawings* = volume of original drawings relating to Susa excavations in Department of Western Asiatic Antiquities. British Musuem.
- Thureau-Dangin, F. 1907. *Die Sumerische und Akkadische Konigsinschriften , Vorderasiatische bibliothek I/I, Leipzig*.

- Van Buren. E.D., 1930. *Clay figurines of Babylonia and Assyria*. New Haven, Connecticut.
- Walker, C.B.F., 1980. "Elamite inscriptions in the British Musuem", *Iran 18:75-81*.
- Walker, C.B.F., 1981. *Cuneiform brick inscriptions in the British Musuem*. London.
- Weissbach, F.H., 1911. *Die Keilinschriften der Achameniden* Vorderasiatische Bibliothek 3, Leipzig.
- Winckler, H., 1889. *Untersuchungen zur altorientalischen Geschichte*. Leipzig.
- Woolley, C. L. and Mallowan, M.E.L.. 1976. *Ur excavations VII: The old Babylonian period*, London.





تصویر 1a. ویلیام کنت لافتوس (۱۸۲۰ - ۱۸۵۸)



آرامگاه دانیال و ویرانه‌های شوش. براساس نقاشی اچ. ای. چرچیل 1b. تصویر (محل دقیق نگهداری از اصل اثر مشخص نیست. Loftus 1857: opp. P. 322)



Plate 2a



Plate 2b

نمای کلی کاوش‌ها در نزدیکی ستون شماره ۱ (بالا) و ستون شماره ۷ (پایین) در آپادانا 2a-b: تصاویر
(نقاشی‌ها از سرهنگ دوم جکسون؛ برگرفته از مجموعه 9-10 pls. Suse Drawings)



Plate 3a

Plate 3b

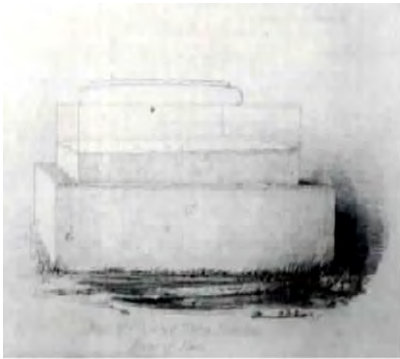


Plate 3c

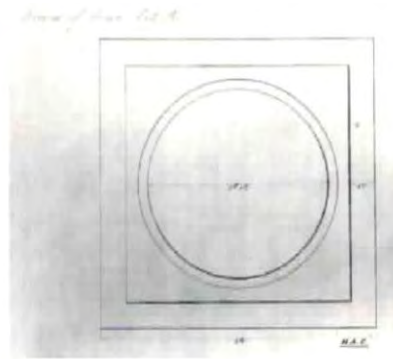


Plate 3d

تصاویر 3a-b: پایه‌ستون در غرب محوطه کاخ آپادانا (نقاشی از ا.ج. ا. چرچیل، Susa pls. 1-1a)

Drawings:

تصاویر 3c-d: پایه‌ستون در مرکز محوطه کاخ آپادانا (نقاشی از ا.ج. ا. چرچیل، Susa Drawings: pls.

2-2a

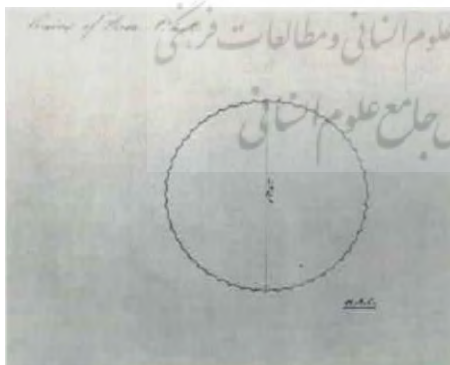


Plate 4a



Plate 4b

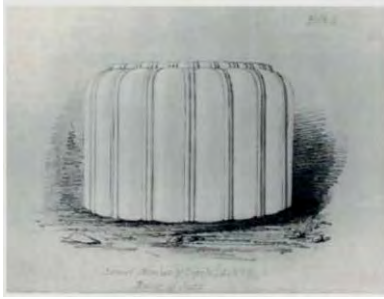


Plate 4c

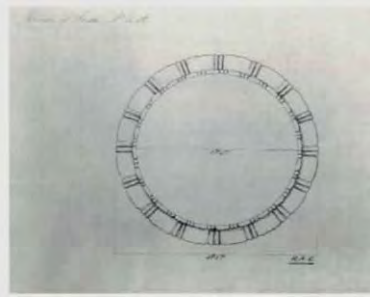


Plate 4d

تصاویر 4a-b: برش ستون از آپادانا. نقاشی از ا.ج. ای. چرچیل (Susa Drawings: pls. 3-3a)

تصاویر 4c-d: پایین‌ترین بخش سرستون متعلق به ستون شماره ۲ آپادانا

نقاشی از ا.ج. ای. چرچیل (Susa Drawings: pls. 4-4a)



Plate 5a

Plate 5b

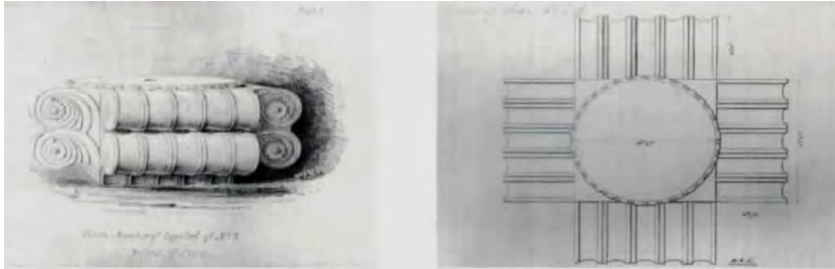


Plate 5c

Plate 5d

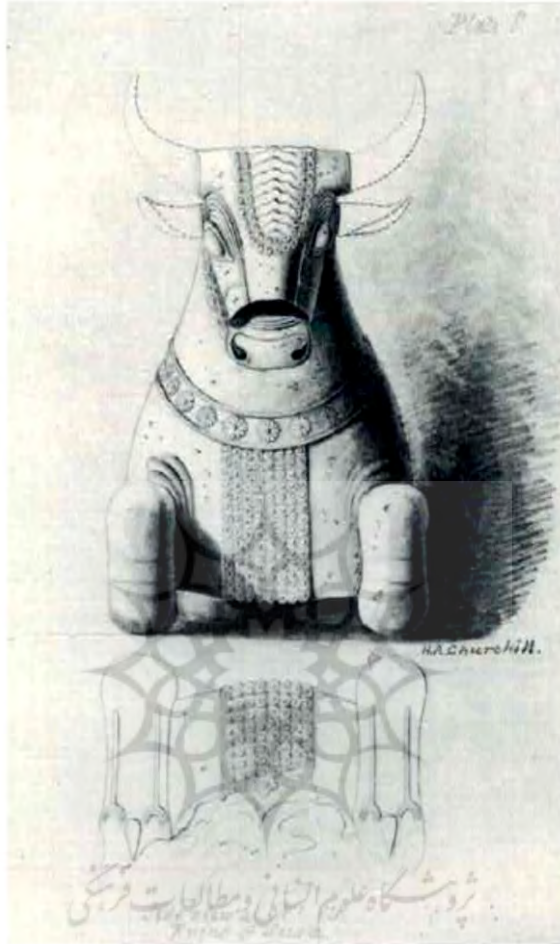
تصاویر 5a-b: بخش میانی سرستون متعلق به ستون شماره ۲ در آپادانا. نقاشی از اچ. ای. چرچیل
(Susa Drawings: pls. 5-5a)

تصاویر 5c-d: سرستون ماریچی متعلق به ستون شماره ۲ در آپادانا. نقاشی از اچ. ای. چرچیل
(Susa Drawings : pls. 6-6a)



Plate 6a

Plate 6b



پرتال جوق انسانى
Plate 6c

تصاویر 6a-c: ستون اصلی به شکل گاو نر دو سر، متعلق به ستون شماره ۲ در آپادانا.
نقاشی از ا.ج. ای. چرچیل (8, 7a-7: SUSA Drawings)



Plate 7a



Plate 7b

تصویر 7a: پایه‌ستون‌های یافت‌شده در کنار ترانسه‌های L و M در بخش جنوبی "تختگاه بزرگ" نقاشی‌ها از اچ. ای. چرچیل (Susa Drawings: pl. 14)

تصویر 7b: پایه‌ستون دارای کتیبه یونانی که در ترانسه M یافت شده است. (Susa Drawings: pl.)

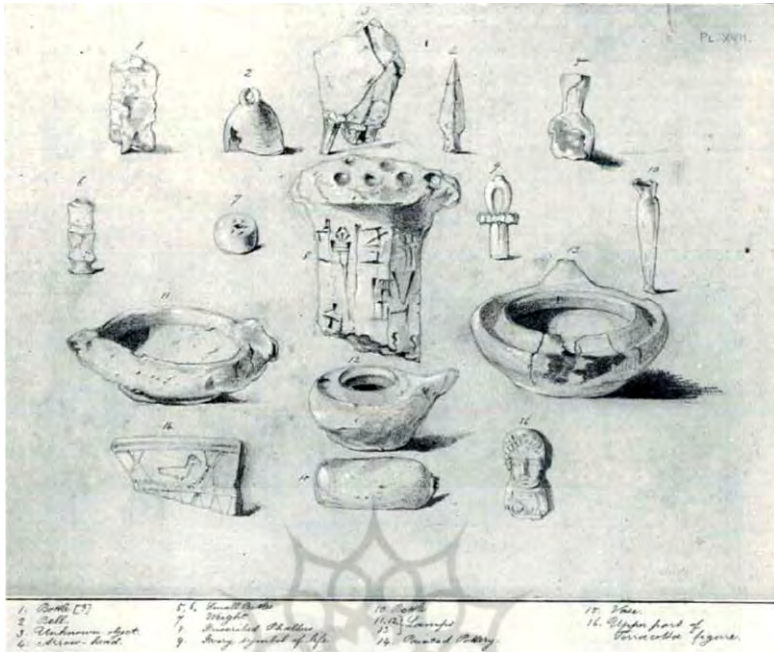


Plate 8

تصویر 8. اشیاء گوناگون یافت شده در کاوش های شوش (: SUSA Drawings: pl. 17).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Plate 9

تصویر ۹. اشیاء سفالینه یافت‌شده در شوش (Loftus and Churchill n.d.: pl. 26)

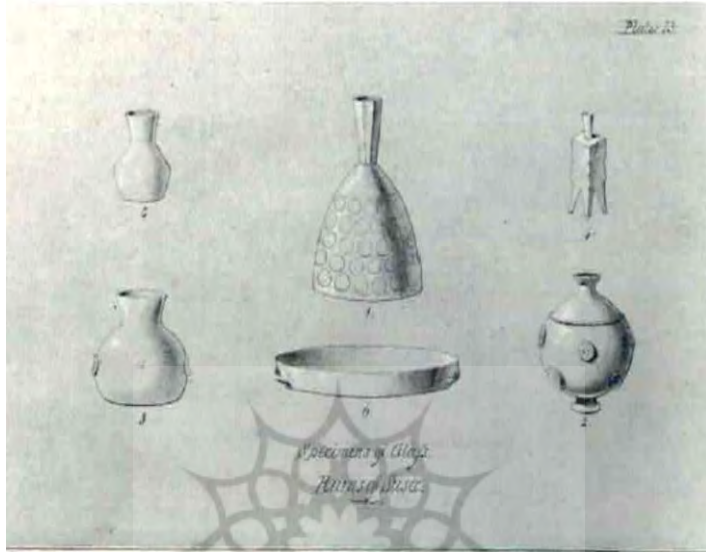


Plate 10a

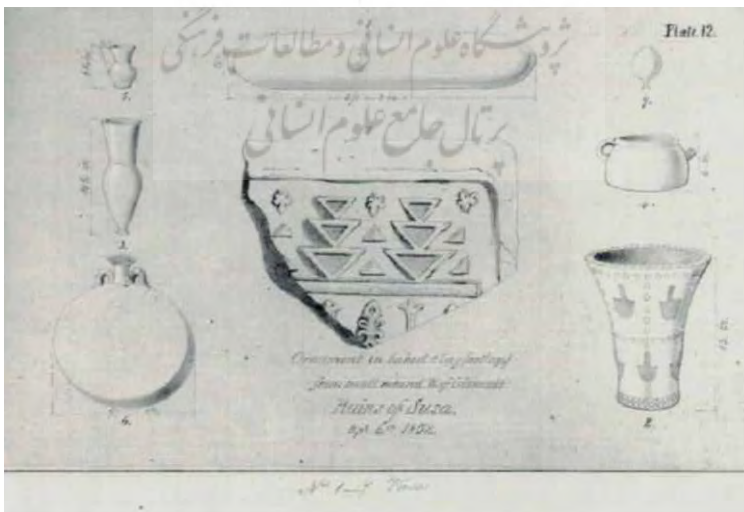


Plate 10b

تصویر 10a: ظروف شیشه‌ای یافت‌شده در شوش (Susa Drawings: pl. 13)
تصویر 10b: اشیاء ساخته شده از گل پخته "یافت‌شده در تپهٔ کوچک غرب ستون‌سرا" در شوش
(Susa Drawings: pl. 12)

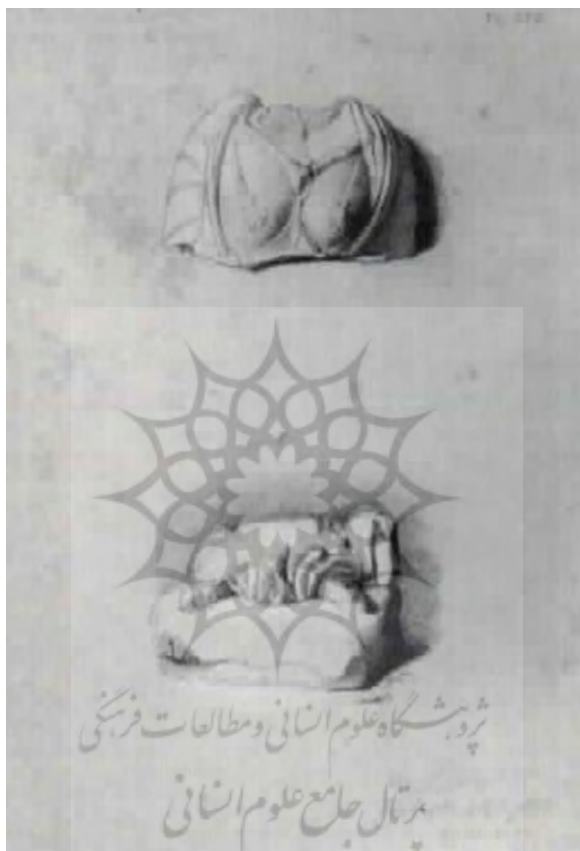


Plate 11a



Plate 11b

تصویر 11a: قطعات مجسمه مرمر سفید یافت شده در شوش (SUSA Drawings: pl. 19)

تصویر 11b: با نوشته‌هایی از خشایارشا، بخش‌هایی از چند ظرف از جنس مرمر سفید

(SUSA Drawings: Pl. 16).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

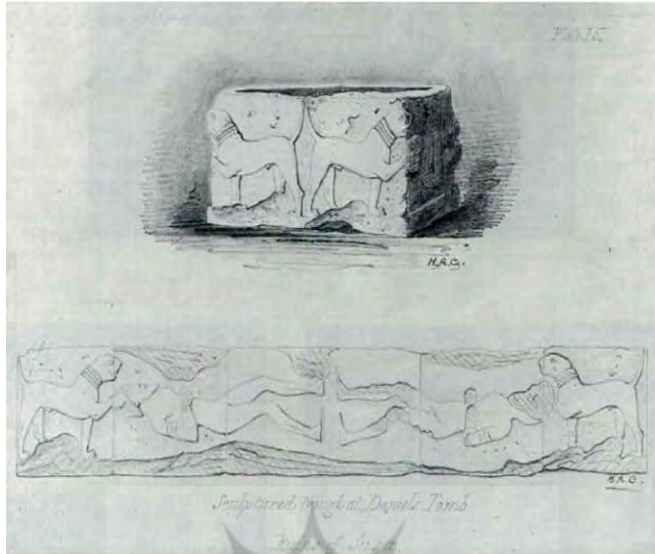


Plate 12

تصویر ۱۲: تغار آب‌خوری ساخته شده از سنگ که ساختاری مجسمه مانند دارد.
نقاشی از اچ. ای. چرچیل (Susa Drawings: Pl. 15)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Plate 13a

پرو. شکارگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Plate 13b

Plate 13c

تصویر 13a: پیکرک‌های گلی زنانه که سینه‌های خود را در دست گرفته‌اند (مجموعه نخست)، از چپ،

شماره‌های ۸، ۱۰، ۲۱.

تصویر 13b: پیکرک‌های گلی زنانه که سینه‌های خود را در دست گرفته‌اند (مجموعه دوم)، از چپ،

شماره‌های ۲۲، ۲۷، ۲۸.

تصویر 13c: جزئیات تصویر پیکرک شماره ۲۲ با نمایش "شیارهای روی سطح شکم".



Plate 14a



Plate 14b

Plate 14c

- تصویر 14a: پیکرک‌های گلی زنانی که سینه‌های خود را در دست گرفته‌اند. (مجموعه ۳)، از چپ، شماره‌های ۲۹، ۳۰ و ۳۶.
- تصویر 14b: پیکرک‌های گلی زنانی که سینه‌های خود را در دست گرفته‌اند. (مجموعه ۴)، از چپ، شماره‌های ۳۷ و ۳۸.
- پیکرک‌های گلی زنانی که سینه‌های خود را نگه داشته‌اند. (مجموعه ۵)، از چپ، شماره‌های ۳۹ و ۴۰.
- تصویر 14c

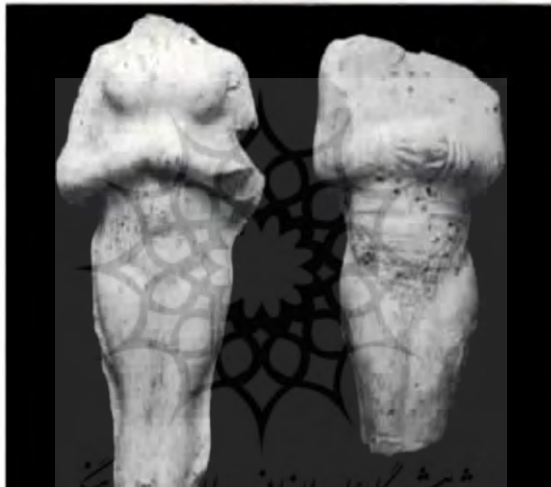


Plate 15a

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Plate 15b



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Plate 15c

Plate 15d

تصویر 15a: پیکرک‌های گلی زنانه که سینه‌های خود را در دست نگاه داشته‌اند. (مجموعه‌های ۱۰-۶)، از چپ، شماره‌های ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۶ و ۴۷.

بخش‌هایی از پیکرک گلی شماره ۴۹. 15b: تصویر

تصویر 15c: پیکرک‌های گلی که زنان برهنه را نشان می‌دهد. از سمت چپ: شماره‌های: ۵۱-۵۰.

تصویر 15d: پیکرک گلی زنی برهنه که در دوران باستان با قبر طبیعی بازسازی شده است، شماره ۵۲.



Plate 16a



Plate 16b



Plate 16c

Plate 16d

تصویر 16a: قالب گلی ویژه ساخت پیکرک‌های زنان برهنه. شماره ۵۳. قالب نوین، سمت راست
تصویر 16b: پیکرک‌هایی گلی که چند نوازنده را نشان می‌دهد. از سمت چپ شماره‌های: ۵۴-۵۵-۵۶
تصویر 16c: پیکرک گلی ایزدمردی با شمشیر و گرز شماره ۵۷.
تصویر 16d: پیکرک‌های گلی گاوهای نر کوهان‌دار. از چپ، شماره‌های ۵۸ و ۵۹.



Plate 17a



Plate 17b

تصویر 17a: یک شی مخروطی از جنس گل که نوشته‌ای بر بدنه دارد.
تصویر 17b: ظروف شیشه‌ای، از بالا، از چپ شماره‌های ۶۸-۶۹-۷۰-۷۱.
پایین، از چپ شماره‌های ۶۴-۶۳-۳۷.



تصویر 18a: آویز از جنس بدل چینی به شکل چلیپا، شماره ۷۳.
تصویر 18b: بدل چینی به شکل گاو نر، شماره ۷۴.

تصویر 18c: نقاب از جنس بدل چینی، شماره ۷۵.

تصویر 18d: پیکرک از جنس استخوان. شماره ۷۶.

تصویر 18c: بخش‌هایی از یک تندیس سنگی که زنی را با پوشاک یونانی نشان می‌دهد. شماره ۷۷.

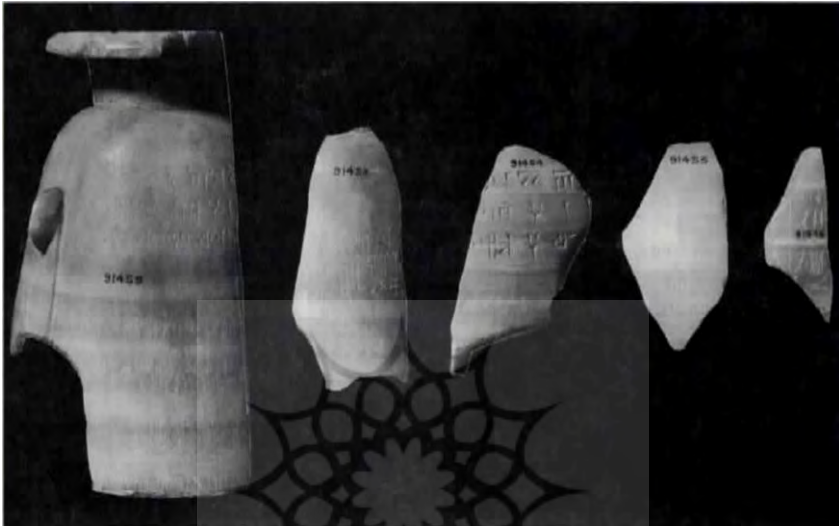


Plate 19a

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Plate 19b

تصویر 19b: بخش‌هایی از چند گلدان مرمر سفید با نوشته‌هایی به سه زبان از خشایارشا، از چپ، شماره‌های ۲۸-۹۲.

تصویر 19b: پارسفال کتیبه‌دار با نوشته‌ای به خط پهلوی، شماره ۹۸.



Plate 20a



Plate 20b



Plate 20c



Plate 20d

- تصویر 20a: آجر لعاب‌دار شماره ۱۰۴
تصویر 20b: آجر لعاب‌دار شماره ۱۰۵
تصویر 20c: آجر لعاب‌دار شماره ۱۰۶
تصویر 20d: آجر لعاب‌دار شماره ۱۰۷

